

# نبرد خلق

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

## نه تسلیم، نه سازش، مقاومت تا پیروزی

مهدی سامع

در ماهی که گذشت تعدادی از ایرانیان به جوخه های اعدام سپرده شدند. اعدام بهنود شجاعی موجی از تاثیر برانگیخت. سهیلا قدیری به همراه ۴ مرد به دار آویخته شدند. بر اساس اخبار منتشر شده، بیدادگاههای ولایت خامنه ای آقایان محمد رضا علی زمانی، آرش رحمان پور، ناصر عبدالحسینی، حامد روحی نژاد و داود فرد بچه میرادبیلی را به اعدام محکوم کرده است. اعدام یک ابزار اصلی برای امنیت حکومت است. جمهوری اسلامی در طول حیات ۳۰ ساله خود نشان داده که با سرکوبی، شکنجه، اعدام و صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی می تواند به حیات خود ادامه دهد. رژیم ایران از نظر تعداد و اجرای مجازات اعدام که آن را برای جرمهای گوناگون مورد استفاده قرار می دهد، در رده های نخست جدول جهانی قرار دارد. در قوانین جمهوری اسلامی شکنجه های وحشیانه، سنگسار، قطع اندامهای بدن و شلاق به شکل صریح برای مجازات مجرمان ذکر شده است.

این درحالی است که به گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، رتبه ایران در رده بندی جهانی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۰۹ با هفت پله سقوط به ۱۷۲ رسیده است.

این سازمان در گزارش خود می نویسد: «انتخاب مجدد و مورد اعتراض محمود احمدی نژاد کشور را در بحرانی عمیق فرو برد و بدبینی مفرط مقامات حکومتی علیه روزنامه نگاران و وب نگاران شدت یافت. با استقرار نیروهای امنیتی در چاپخانه ها و تحریریه های روزنامه ها، سانسور پیش از انتشار مطالب اعمال شد. بازداشت و زندانی کردن، بد رفتاری غیر قانونی و گسترده با روزنامه نگاران بسیاری از آنها را مجبور به ترک کشور کرد. از دیگر علت های کاهش رتبه ایران، مرگ امید رضا میرصافی، وبلاگ نویس جوان در زندان و بازداشت رگسانا صابری، روزنامه نگار ایرانی-آمریکایی عنوان شده است...» (سایت بی بی سی ۲۹ مهر ۱۳۸۸)

بقیه در صفحه ۲

ششمین اجلاس شورای عالی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

قطعنامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی

قطعنامه پیرامون

بحران جهانی سرمایه داری و چالشهای چپ

از صفحه ۷ تا صفحه ۱۳

سرمقاله

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

صفحه ۶

بحران اتمی، تلاش

برای بازگشت به دوران

خاتمی - روحانی

حکم بیدادگاه رژیم در مورد

کارگران نیشکر هفت تپه

محکوم است

زینت میرهاشمی

صفحه ۱۴

احکام بی شرمانه اعدام، پاسخ

رژیم ولی فقیه به

اعتراضات مردم

جعفر پویه

صفحه ۱۵

آزادی ۳۶ گروهان مجاهد خلق یک

پیروزی بزرگ برای جنبش مقاومت

صفحه ۱۵

منصور امان

هر گاه منبای نتیجه گیری از گفت و گوهای گروه ۵+۱ و رژیم ولایت فقیه در ژنو ارزیابی شرکت کنندگان قرار گیرد، در این صورت اعلام خشنودی ناهمگون دو طرف، ابهام پیرامون تصمیمهای این نشست محرمانه را فقط می تواند بیشتر کند. جمهوری اسلامی روی خط تبلیغاتی شناخته شده خود، مایل است یک "پیروزی دیگر" را به آگاهی همگان برساند و در سوی دیگر نیز ابراز خشنودی با "گفت و گوهای سازنده و مثبت" تیر می شود. با این حال، یک نگاه کوتاه به موضوع انفجاری روز میز، پیشینه مناقشه ای که برانگیخته، دامنه ای که اینک یافته و در نهایت شرایطی که رژیم ملاحه در آن به سر می برد، می تواند نشان دهد که جای بیشتر پیش شرطهای یک بازی دو سر بُرد در ملاقات ژنو خالی است از این رو تنها به طور مشروط می توان گفت که کسی پیروز شده باشد.

بقیه در صفحه ۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

همزمان با تحولات سیاسی مجلس ارتجاع در ماه گذشته طرح «هدفمند کردن پارانه ها» را با مثنی شعارها و تبلیغات پررنگ و لعاب توخالی به تصویب رساند و بدین ترتیب دولت موظف می شود ظرف پنج سال قیمت حاملهای انرژی مانند بنزین، گازوئیل، برق، گاز و آب را به قیمت آزاد بفروشد. این مصوبه که دولت احمدی نژاد به شکل پیگیر به دنبال تصویب آن بود، از یک طرف زندگی میلیونها ایرانی به فقر بیشتر خواهد کشاند و از طرف دیگر یک چراغ سبز آشکار به مدافعان لیبرالیسم جدید در عرصه داخلی و جهانی است.

همزمان نقش سپاه پاسداران در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به طور روزافزون افزایش می یابد. واگذاری بخش عمده سهام مخابرات کشور به موسسات وابسته به سپاه پاسداران آخرین دست اندازی این نهاد سرکوبگر بر اقتصاد بحرانی کشور است. سپاه پاسداران در حالی که به سرعت به بزرگترین نهاد اقتصادی تبدیل می شود به دخالت هرچه بیشتر در عرصه سیاسی و اجتماعی می پردازد.

پاسدار فیروزآبادی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و عضو شورای عالی امنیت ولی فقیه در روز ۱۸ مهر به تهدیدی که نظام با آن روبروست تاکید می کند. می گوید: «روز قدس گفتند استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی، یعنی همین که کلمه اسلامی را حذف کردند یعنی براندازی نظام، اگر کسی برای براندازی نظام اقدام کرد، نیروهای مسلح ماموریتشان این است که باید با آن مقابله کنند و باید جلوی حرکت براندازانه را بگیرند.....می خواهند با همدیگر وحدت کنند. با محوری جزء محور ولایت فقیه و رهبری. این براندازی است.» (خبرگزاری فارس)

پاسدار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه روز ۲۶ مهر در جمع خبرنگاران گفت: «پاسخ سپاه به گروهکهای معاند در کشور بسیار سخت و کوبنده خواهد بود.» (خبرگزاری فارس)

در ماه گذشته از این نمونه حرفها از طرف سرکردگان سپاه به وفور در رسانه های دولتی انتشار پیدا کرد. سپاه پاسداران به مثابه بازوی ولایت و نهاد اصلی تامین امنیت نظام به خوبی می داند که در بحران غیرقانونی (انقلابی)، نهادهای امنیتی نمی تواند کارآمد باشد. چند سال پیش فرمانده کل سپاه به صراحت

گفت تهدید اصلی «داخلی» است و برای مقابله با این تهدید که طی چهار ماه گذشته به طور علنی و آشکار در مقابلش قرار گرفته، همزمان با گسترش نفوذ اقتصادی خود به منظور ایجاد جاذبه برای فرماندهان سپاه و بسیج، به مثابه یک حزب سیاسی نیز عملکرد پیدا کرده است. دولت پادگانی، مجلس نظامی-امنیتی و شورای عالی امنیت در نقش زیر مجموعه های سپاه پاسداران که علاوه بر وظیفه سرکوبگریش به مثابه یک حزب سیاسی عرضه اندام می کند، تامین امنیت ولایت خامنه ای را به عهده گرفته اند. برای این منظور است که خامنه ای می داند موضوع اطلاعات نیز از کانال این نهاد می تواند موثر باشد و برای همین فرمان تشکیل «سازمان اطلاعات سپاه پاسداران» را صادر می کند.

به گزارش سایت جرس، روز شنبه ۲۶ مهر محمد علی عزیز جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران اعلام کرد که «تشکیل سازمان بسیج مستضعفین، سازمان اطلاعات و ۳۱ سپاه استانی جدیدترین تغییرات در ساختار سپاه پاسداران است که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است.» در این ساختار به گفته جعفری، سپاه استانی «ماموریت بخش نظامی بسیج» را برعهده می گیرد و سازمان بسیج مستضعفین «بخش فرهنگی و مقابله با جنگ نرم» را عهده دار می شود.

گرچه سرکرده کل سپاه درباره ماموریت سازمان اطلاعات سپاه پاسداران توضیحی ارائه نکرده، اما با وجود علایم بسیار و منجمله انتصاب حسین طائب فرمانده به سمت معاون اطلاعات سپاه جای تردید باقی نمی ماند که با توجه به ابعاد بحران کنونی عملکرد وزارت اطلاعات برای مهار تهدید داخلی غیر موثر بوده و از این رو سپاه یک نهاد مستقل اطلاعاتی که فقط از ولی فقیه فرمانبرداری کند و فقط به وی پاسخگو باشد را سازماندهی کرده است. این که آیا سپاه پاسداران با این سازماندهی موفق خواهد شد بحران را مهار کند یا نه، در این واقعیت تغییری نمی دهد که وزارت اطلاعات و یا نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی فاقد ظرفیت لازم برای مهار بحران هستند. تمامی حرفهایی که پیرامون تظاهرات روز قدس طی یک ماه گذشته زده شده و تمامی هشدارهایی که پیرامون فراخوان به تظاهرات در روز ۱۳ آبان داده می شود و نیز معلق ماندن طرحهایی که برای «سازش» و «وحدت» ارایه شده، این نکته را ثابت می کند که نیروی سرکوبی که تاکنون به کار رفته، علیرغم همه جنایتیهای بی حد و مرزش و علیرغم همه وحشیگریها، شکنجه ها و اعدامها، قادر نبوده بر

خیزش و قیام مردم غلبه کند و بنابراین برای خامنه ای که به چیزی جز تسلیم همکاران دیروزی و مردم در خیابان رضایت نمی دهد، راهی جز نظامی کردن هرچه بیشتر تمامی حوزه های مربوط به حاکمیت و منجمله حوزه اطلاعات باقی نمی ماند. سیاست به تسلیم کشاندن «همه» که ولی فقیه رژیم به دنبال آن است و سپاه پاسداران مأمور اجرایی کردن آن است، به سازماندهی و ابزارهایی نیاز دارد که تامین آن توسط سپاه پاسداران مقدور است. اگر خامنه ای به جای سیاست به تسلیم واداشتن، سیاست سازش را در پیش گیرد، به ناچار و به تدریج از نقش پر رنگ کنونی سپاه پاسداران کاسته می شود و در نهایت سپاه نیز همچون ارتش به پادگانها فرستاده خواهد شد.

ناکارآمدی طرح برون رفت از شرایط کنونی که ابتدا توسط علی اکبر هاشمی رفسنجانی مطرح شد و سپس توسط محمد رضا مهدوی کنی، دبیرکل جامعه روحانیت مبارز و حبیبالله عسگرآولادی مسلمان، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری پیگیری شد و بر طبق آخرین اخبار منتشر شده اکنون در بیت خامنه ای جا خوش کرده، به خاطر آن است که از نگاه خامنه ای نتیجه طرح مزبور به جای به تسلیم کشاندن «همه»، خود ولی فقیه است که باید به سرکشیدن جام زهر و در نتیجه تسلیم شدن، مبادرت کند.

با آگاهی به این امر است که حسین شریعتمداری، و دیگر باندنهای مربوط به سپاه، به طور ممتد علیه این طرح مقاله می نویسند و این طرح را «فتنه جدید» می نامند.

حسین شریعتمداری که نماینده ولی فقیه در روزنامه کیهان است در یادداشتی به تاریخ سه شنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۸ در این روزنامه با هر نوع «سه طرح آتشی ملی» مخالفت کرد و در مقابله با عسگرآولادی نوشت: «می فرمائید شورای مورد نظر شما قصد حکمیت دارد! خب! مگر وظیفه تعریف شده دستگاه قضایی چیزی غیر از حکمیت است؟! چرا نباید صدور حکم در این باره به مرجع قانونی آن یعنی دستگاه قضایی سپرده شود؟»

در همین یادداشت حسین شریعتمداری در پاسخ به حبیب الله عسگرآولادی مسلمان که گفته است: «موسوی و کروبی و خاتمی از خانواده انقلابند و آنها را مفت به دست نیارده ایم که مفت از دست بدهیم»، نوشت: «مگر جمهوری اسلامی، قانون اساسی، اقتدار نظام اسلامی و... مفت به دست آمده اند که مفت از دست بدهیم؟»

در روز ۳۰ مهر نیز روزنامه کیهان به نیابت از خامنه ای و سپاه پاسداران در سرمقاله اش نوشت، برخی از افراد

حاضر در جریانی که با عنوان «وحدت و رجعت» خطاب می شود «به جای اصلاح دنبال توجیه پلشتیها و عادی دانستن آنها و به جای شفاف سازی و حقیقت گرای، دنبال بازگرداندن وضعیت گروههای سیاسی به شرایط قبل از خرداد ۸۸ می باشند.....در این میان «بدلکاران» وارد صحنه شده اند. عده ای پس از خیانت و همدستی با دشمن از قطار انقلاب پیاده شده و بعد به فحاشی علیه مسافران و لوکوموتورانان روی آورده اند حالا عده ای از بدلکاران درصددند تا آنچه رخ داده را یک «سوء تفاهم» معرفی کرده، قطار را نگه دارند و هتاکان را به عنوان شهروندانی که کماکان صلاحیت اداره امور را دارند معرفی نمایند.»

از این نوع موضع گیریها در ماه گذشته و به ویژه در مقابل تظاهرات روز قدس به وفور وجود دارد. این موضع گیریها که دو نمونه از آخرین آن ذکر شد، نشان می دهد که هزینه سازش به طور نسبی قابل قبول برای طرفهای درگیر در هرم قدرت و ثروت و به ویژه برای شخص ولی فقیه بسیار بالا رفته است. میرحسین موسوی با آگاهی به این امر در یک مصاحبه که روز ۲۷ مهر در شبکه جهانی اینترنت قرار گرفت در پاسخ به پرسش مربوط به «راه سبز امید» می گوید، مبارزه زنده است و دست از مبارزه نخواهد کشید و در پایان این گفتگو بار دیگر گفت: «من تاکید می کنم هنگامی که پذیرفته نشود در کشور بحران وجود دارد، تا هنگامی که مردم اغتشاشگر خوانده می شوند، تا زمانی که مردم و رأی مردم به حساب نیاید، وحدت ملی تحقق نخواهد یافت. باید به قانون اساسی بازگردیم و برای رأی مردم احترام قائل شویم.»

البته خود میرحسین موسوی هم به خوبی می داند که جوهری ترین ماده در قانون اساسی ولایت فقیه است. ولی فقیه با اختیارات قانونی خود، مردم را «اغتشاشگر» می نامد و «رای» آنان را به حساب نمی آورد.

نمونه دیگر از واکنش به شرایط کنونی یادداشت عطاء الله مهاجرانی تحت عنوان «ای آتشی افروخته در پیشه اندیشه ها» است. به گزارش روز ۱۷ مهر ۱۳۸۸ رادیو آلمان، عطاء الله مهاجرانی در این یادداشت می نویسد: «مثل همه ما که در برابر کشتار جوانان در سال ۱۳۶۷ ساکت ماندیم. گمان می کردیم شرایط جنگ و تهدید خارجی می تواند مجوزی برای چنان جوان کشتی باشد، که در تاریخ ما کمتر نظیری برای آن می توان یافت.»

اگر خامنه ای به دنبال سازش نیست و اگر او به چیزی کمتر از تسلیم رضایت نمی دهد و اگر با بالا رفتن هزینه سازش پروژه «وحدت» غیرواقعی است و آن چه در چشم انداز است تشدید تضادهای درونی حاکمیت است، پس برای مردمی بپاخواسته که هزینه های زیادی برای آزادی پرداخت کرده اند راهی جز مقاومت تا پیروزی باقی نمی ماند و مردم ایران و به ویژه جوانان این راه را یک بار دیگر در روز ۱۳ آبان نشان خواهند داد.

اول آبان ۱۳۸۸

## سرمقاله

## بُحران اُتمی، تلاش برای بازگشت به دوران خاتمی - روحانی

بقیه از صفحه ۱

## آنچه که روی داده

پوسته ظاهری نتایج گفت و گوهای ژنو نشان عقب نشینی رژیم مُلاها را بر خود دارد. ابتدا نفس نشست مزبور و دستور کار آن در حالی که تا پیش از آن موضع رهبران جمهوری اسلامی رد هر گونه مُذاکره بر سر پرونده هسته ای خود خارج از چارچوب اُزناس بین المللی بود، از یک چرخش به سمت پایین حکایت می کند. این امر ممکن است در نگاه ابتدایی یک ژست پروتکلی نه چندان با اهمیت به نظر برسد اما هر گاه در نظر گرفته شود که باند نظامی - امنیتی مهمترین دستاورد سیاست هسته ای خود در چهار سال گذشته را انتقال مسایل مورد اختلاف از میز شورای امنیت و طرفهای خارجی به اُزناس، کاهش سطح بُحران به "مسایل فنی" و بر همین اساس رد مُذاکره با ۵+۱ یا ابتکارهای جُداگانه آن معرفی می کند، در این صورت جایگاه سیاسی رویکرد کنونی بسا بیشتر آشکار خواهد گردید.

توجه به درپچه ای که رژیم مُلاها از آن وارد نشست ژنو شده، ارزیابی از توافقات به دست آمده در این مُلاقات را نیز ساده تر می سازد. اگر چه محورهایهایی که در این زمینه تاکنون به صورت علنی اعلام شده، خود بدون تفسیر نیز گویا هست:

۱- باند ولی فقیه با بازرسهای فوری و همچنین بیشتر از تاسیسات هسته ای خویش موافقت کرده است؛ امری که بی درنگ با سفر آقای البرادعی به ایران برای اجرایی کردن آن، به مرحله ی عمل وارد گردید.

۲- در همین حال جمهوری اسلامی غنی سازی اورانیوم "برای مصارف پزشکی" در روسیه و فرانسه را پذیرفته است و در این راستا اورانیومهای غنی شده نیز درصد پایین خود را به این کشورها تحویل می دهد.

نکته جالب توجه بر متن رویکرد یاد شده و محصولات آن، گفت و گوی مستقیم نمایندگان جمهوری اسلامی و ایالات متحده است. داستانهای ماجراجویانه ای که منابع رژیم مُلاها از چگونگی شکل گرفتن این دیدار بازگو می کنند و موضوع آن بیشتر گرد اصرار آقای برنز و ناز آقای جلیلی می چرخد (آیت الله جنتی می گوید آقای جلیلی در بار سوم "بله" را گفت)، به دُشواری می تواند بر این موضوع سایه پاندازد که جمهوری اسلامی "یک" را گفته با پذیرش این تهدید که باید تا "صد" برود، سَخنگویان رسمی آمریکا عُنوان

کرده اند که آقای برنز افزوده بر مسایل هسته ای (بدون توضیح بیشتر)، با نماینده جمهوری اسلامی پیرامون حقوق بشر و آزادی سه آمریکایی بازداشت شده در ایران گفت و گو کرده است.

## آیا این عقب نشینی است؟

داده های بالا به این سووال پاسخ مثبت می دهد بدون آنکه قادر باشد پیرامون درونمایه و ارزش واقعی توافقات رژیم مُلاها توضیح دقیقی ارائه کند. از این رو سووال دیگری که می تواند به این زاویه از موضوع بپردازد، به گونه اجتناب ناپذیر طرح می شود: اگر آری، عقب نشینی از چه چیز و کدام موضع؟ پاسخ به این پرسش می تواند روشن کند که پس نشست رژیم مُلاها در ژنو یک اقدام تاکتیکی است یا می توان آن را گامی استراتژیک به عقب یا به اصطلاح رایج، نوشیدن جام زهر به حساب آورد. در این راستا توجه به ماهیت چندگانه بُحران مُناسبات رژیم مُلاها با طرفهای خارجی خود و این حقیقت که موضوع تلاش آن در جهت دستیابی به سلاح هسته ای تنها یکی از فاکتورهای اختلافات را تشکیل می دهد، ضروری است. زیرا قابل شدن به نقش ترکیبی بُحران هسته ای در کنار فاکتورهای دیگری که بُحران در مجموع را شکل داده اند، فقط سهم مُعینی را برای آن در سمت و سو دادن به حل یا تشدید کشمکشها رزرو می کند.

مهمترین عوامل دیگر بُحران مزبور را صدور بُنیادگرایی و تروریسم، بُحران آفرینی در فلسطین، لبنان و عراق و نیز دخالتگری و تهدید مُتحدان غرب در همسایگی ایران تشکیل می دهد. نقاط اصطکاک مزبور به طور دقیق در مرکز حوزه ای که غرب و به ویژه آمریکا برای منافع و قدرت خود تعریف کرده است، قرار دارد. در حساسیت این موضوع همین بس که اهمیت ژئوپولیتیک خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن اکنون تنها با پارامتر سنتی تامین انرژی مدلل نمی شود و رقابتهای جدید در پهنه جهانی میان چین، روسیه و هند از یک سو و آمریکا و اروپا از سوی دیگر نیز آن را توضیح می دهد. وجود یک عامل بُحران زوی و بُحران زا در این منطقه و در خارج از نظم آن، سرچشمه دایمی تناقضهایی است که به گونه پایدار یا مقطعی بر ثبات ساز و کار بین المللی در این گوشه ی جهان تحمیل شده است.

بر این اساس، همانگونه که حل بُحران رژیم مُلاها و غرب در گرو حل

مجموعه عوامل شکل دهنده آن قرار می گیرد، توافقات جُداگانه بر سر این یا آن حوزه درگیری نیز ارزش حقیقی خود را کسب می کنند.

این بدان معناست که در زنجیره بُحران، به دست گرفتن یا از کف دادن هر حلقه زمانی تعیین کننده است که با این حرکت تکلیف حلقه مُرتبط را نیز روشن کرده باشد. این همان مُعادله ای است که رهبران جمهوری اسلامی با تمام پیرو از هُل داده شدن به آن پرهیز می کنند و در هر فرصتی به یکدیگر هُشدار می دهند که هر گام عقب نشینی، گامهای دیگر به پس را در پی دارد. آنها فقط می توانند به یک مُعامله بزرگ بر سر همه موضوعهای مورد اختلاف علاقمند باشند زیرا بقا و ثبات "نظام"، پایه و خاستگاه هر بند از موارد روی میز را تشکیل می دهد. حل یک محور مُناقشه بدون دستیابی به توافق بر سر "نگرانیهای" رژیم مُلاها، از نگاه آن بیشتر از یک نقض غرض نیست. تمام انشا نویسیهای گماشته آقای خامنه ای برای رهبران اروپایی و آمریکایی و غلطاندن یا بی مُناسبت "بسته پیشنهادی" و "مدیریت جهانی"، درخواست برای مُعامله فراگیر را در خود پنهان کرده است.

## بازگشت به دوران خاتمی -

## روحانی

همه ی آنچه که موضوع اختلاف به حساب می آید، بی هیچ پرده پوشی مولفه های قدرت و ثبات سیاسی "نظام" را تشکیل می دهد. به همین دلیل نیز دستگاهی که بر آنها استوار گردیده، اگر مایل نباشد که موقعیت کنونی اش را از دست بدهد، نمی تواند از منابع اقتدار خود چشم پوشی کرده و آن را به موضوع معامله تبدیل کند. بنابراین عقب نشینی ژنو نیز در سطحی برابر با این ظرفیت قرار می گیرد و می تواند یک حرکت تاکتیکی در واکنش به شرایط تازه خود و آرایش جدید طرفهای ارزیابی شود. اگر اندکی دقیق تر نگرینسته شود، حتی تاکتیک مزبور نیز تازه نیست و بازگشت به یک مسیر تجربه شده در دوران حُجت الاسلامها خاتمی - روحانی و سیاست خریدن وقت با توافقات ظاهری در دوره یاد شده را تکرار می کند. در آن هنگام رژیم مُلاها زیر پوششی ترکیب شده از باج اقتصادی و همکاری نمایشی، پروژه اُتمی خود را دُنبال می کرد. با این حال باید توجه داشت که سیاست فریبکارانه مزبور تنها از آن رو توانست مسیر درگیری را در تمام طول این دوره تعیین کند که طرفهای خارجی، حساب بی اعتباری را روی "میانه روها" در دستگاه قدرت

جمهوری اسلامی و نقش آنها در اعتدال بخشیدن به نقشه ها و هدفهای حکومت باز کرده بودند.

آنچه که باند نظامی - امنیتی ولی فقیه به طور واقعی از آن عقب نشینی کرده، سیاست درگیری مستقیم از طریق رجزخوانی، تنش آفرینی و گزافه گویی جنجال پراگیز است. تدبیری که در درجه نخست بازتاب تغییر توازن در مُعادله قدرت در جمهوری اسلامی، ورود فاکتور جنبش اجتماعی به میدان علیه حکومت و مشروط گردیدن سرنوشته همه پروژه های داخلی و خارجی "نظام" به تعیین نتیجه این رویارویی می باشد.

## چالشها

بنابراین از آنجا که تغییر شکل در برخورد با مُدعیان خارجی، هر حالتی جز یک عقب نشینی مُنظم و اختیاری است، هزینه هایی که باند ولایت برای آن باید مُتحمل شود نیز در کنترل آن نخواهد بود. چرخش یکباره باند نظامی - امنیتی، همه ی نمایشهایی که تا کنون در توجیه ضرورت به دست داشتن سکان قدرت بازی کرده است را خنثی می کند و از همه مهمتر، مترسک اصلی این خیمه شب بازی یعنی، "دُشمن" را نیز به پُشت صحنه می برد. هر جلسه مُذاکره یا گفت و گوی که با "دُشمن" برگزار می شود و هر ژستی که برای نمایش رسیدن به توافق با آن گرفته می شود، زمین بیشتری را از زیر پای باند ولایت خالی می کند و ناگفته پیداست که هر فضای هر چند ناچیز و موقتی که این رفت و آمد بین المللی باز کند، از پیش جنبش اجتماعی آن را برای خود رزرو کرده است.

از سوی دیگر، مُشکل بعدی آقای خامنه ای این است که در حالی عباي خود را پُشت و رو به تن می کند که در یکسره کردن تکلیف خرده گیران احتمالی زیر خیمه "نظام" به سختی شکست خورده است. نقش موضوع آمریکا در رویکرد خارجی و داخلی جمهوری اسلامی، بسا مهم تر و شاه ساز تر از آن است که کسی یا جناحی در دستگاه قدرت مایل باشد داوطلبانه از دادن مانور گرد آن چشم پوشی کند؛ به ویژه هنگامی که آنها - همچون شرایط فعلی - درگیر جدال مرگ و زندگی با یکدیگر باشند.

در همین حال عدم ثبات داخلی لازم برای بازی با کارت پروژه هسته ای، با واکنش سرد طرفهای خارجی نسبت به تغییر ریل رژیم مُلاها نیز ترکیب شده است. در همان زمانی که پایوران باند نظامی - امنیتی مشغول گرفتن جشن "پیروزی ژنو" و "تسلیم مُدعیان"

بقیه در صفحه ۴

## گدا پروری در برابر پرداخت دستمزد عادلانه

زینت میرهاشمی  
پیش بینی می شود که اثرات لایحه هدفمند کردن یارانه ها، به بالا رفتن تورم بالای ۵۰ درصد و افزایش نقدینگی خواهد انجامید. این لایحه قبل از اجرایی شدن و از هنگامی که به گفتن پایوران رژیم تبدیل شد، باعث رشد قیمتها شد. به ویژه در زمینه بنزین، گازوئیل، گاز و برق. هنگامی که حقوق کارگران و مزدگیران در پایان سال ۸۷ توسط شورای عالی کار تعیین شد، بر خلاف سالهای گذشته به مدت ۶ ماه و بسیار کمتر از نرخ تورم در نظر گرفته شد.

شورای عالی کار یکی از دلایل عدم افزایش دستمزد مثل هر سال را پایین آمدن نرخ تورم در سال ۸۸ عنوان کرده بود و وعده اضافه کردن حقوق را به نیمه دوم سال ۸۸ موکول کرد. در این مدت حتا با توجه به نظر کارشناسان اقتصادی، نرخ تورم پایین نیامده است. داده های آماری گواهی می دهد که با توجه به رهیافتهای منفی شرکتهای زودبازده، نرخ تورم به صورت کاذب پایین آمده و در شکل واقعی نرخ تورم افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا سه شنبه ۱۴ مهر، «میزان نقدینگی کشور حاکی از افزایش حجم نقدینگی در نیمه اول سال جاری است.»

افزایش نقدینگی در اقتصاد بیمار به دلیل هزینه نشدن در بخش تولید، منجر به افزایش نرخ تورم می شود.

کلیات ۱۴ ماده ای لایحه هدفمند کردن یارانه ها در روز یکشنبه ۱۹ مهر در مجلس ارتجاع به تصویب رسید. بر اساس این طرح عده ای مستمری بگیر دولت خواهند شد. این که چه میزان و به چه کسانی یارانه داده شود، با توجه به ساختار فاسد هرم قدرت در ایران، حتا مستمری بگیران می توانند در لباس آفازاده و خویشاوندان سر برآورند. در مقابل این طرح، حقوق پایه کارگران و مزدگیران که به میزان اندکی همه ساله، افزایش می یافت، انجام نخواهد شد. هادی قوامی عضو هیات رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در گفتگویی با ایرنا ۲۶ مهر می گوید: «در صورتی که مجلس جلوی افزایش حقوق و دستمزدها را بگیرد، با اجرای لایحه هدفمند کردن یارانه ها، با تشدید تورم روبرو خواهیم بود.» این طرح قبل از اجرا با چالشی جدی روبروست. از طرفی تورم افزایش خواهد یافت و از طرف دیگری حقوق کارگران و مزدگیران افزایش نخواهد یافت. سیاست یارانه ها در جمهوری اسلامی، سیاست گداپروری و فریبکارانه است. این سیاست در مقابل و بر ضد پرداخت دستمزد عادلانه و واقعی کارگران و مزدگیران است. افزایش دستمزد با توجه به میزان تورم حق طبیعی کارگران است.

فراسوی خبر: ۲۹ مهر ۸۸

## کارگران واگن پارس اعتصاب غذا کردند

جعفر یویه

کارگران واگن پارس اعتصاب خود را به اعتصاب غذا گسترش دادند. این کارگران که به علت پرداخت نشدن دو ماه و نیم حقوق و دستمزد و بی توجهی مدیران به پرداخت سنوات بازنشستگان و عدم پرداخت بازنشستگی به تامین اجتماعی در محوطه کارخانه دست به اعتصاب زده بودند، روز چهارشنبه همزمان با ورود عده ای از کشور قزاقستان برای بازدید از کارخانه، مورد هجوم وحشیانه نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند.

عوامل دولتی با ضرب و شتم شدید کارگران، سعی در پراکنده کردن آنها نمودند. در اعتراض به این بی شرمی، کارگران دست به اعتصاب غذا زده و خواهان رسیدگی به حقوق حقه خود شدند. ۱۵۰۰ کارگر واگن پارس در ماه های جاری بدون دستمزد مانده و قادر به تامین هزینه ی اولیه خانواده های خود نیستند. کارخانه واگن پارس مدت زمان درازی نیست که در جریان خصوصی سازی دولت نظامی - امنیتی به نور چشمها واگذار شده و آنها نیز نه تنها دستمزد کارگران را پرداخت نمی کنند بلکه، در صورت اعتراض کارگران آنها را به یاد کتک می گیرند. این درحالی است که از میدانهای بازی ۱۵ و ۱۶ نیز ۶۰۰۰ کارگر از کار اخراج شده اند. پاسدار رستم قاسمی، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا به خبرگزاری حکومتی مهر می گوید: «بر اساس برنامه باید در شرایط فعلی حدود ۱۰ هزار نفر به صورت روزانه در فازهای ۱۵ و ۱۶ مشغول به کار باشند ولی مشکلات مالی به رکود کار انجامیده و تعداد این شاغلین هم به ۴ هزار نفر کاهش یافته است.»

یعنی، حدود ۶۰۰۰ کارگر شاغل در فازهای ۱۵ و ۱۶ به لشکر بیکاران پیوسته اند. قرارگاه خاتم الانبیا که در تبنانی با دولت احمدی نژاد این قرارداد را بدون تشریفات قانونی مال خود کرده است، اکنون درمانده از اجرای طرح تنها به فکر برداشت از صندوق ذخیره ارزی است که متعلق به همه مردم ایران می باشد. پاسدار قاسمی می گوید: «تامین مالی عملیات در فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان مشترک بازی پارس جنوبی در گرو برداشت یک میلیارد دلاری از حساب ذخیره ارزی است.»

رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف در رویارویی با جنبش مردم ایران درمانده است و از طرف دیگر به دلیل بحرانهای بین المللی قادر به تامین نیازهای پروژه های نفتی و بزرگ نیست. پایین بودن قیمت نفت نیز مزید بر علت شده و دولت نظامی - امنیتی را با کمبود دلارهای نفتی مواجه کرده است. به همین دلیل اقبال مزدبگیر و در راس آنها کارگران در وضعیت بسیار بدی بسر می برند. این تنها گرانی و بی ارزش شدن پول ملی نیست که فشار روزانه خود را بر اکثریت مردم اعمال می کند بلکه، کمبود نقدینگی و واردات بیش از حد نیز کارخانجات داخلی را به ورشکستگی کشانده و بسیاری از کارگران شاغل را به صف لشکر بیکاران رانده است.

دولت نظامی - امنیتی درمانده از پاسخگویی به خواسته های برحق اقبال مزدبگیر به ویژه کارگران، تنها سیاست سرکوب را می شناسد که آنها را نه نان می شود نه آب!

شکمهای گرسنه کودکان کارگران نان می خواهد و دولت ضد مردمی ثروت ملی آنان صرف پروژه های اتمی و صدور تروریسم می کند.

فراسوی خبر: ۱۷ مهر ۸۸

## سرمقاله ...

بقیه از صفحه ۳

بودند و کام خود را با نمره "مثبت و سازنده" ای که رسانه ها و سخنگویان غربی به آنها داده بودند شیرین می کردند، اقدامهای سختگیرانه تر بین المللی برای تحت فشار گذاشتن رژیم ولایت فقیه، یکی پس از دیگری روی میز نهاده می شد. در یک فاصله چهار روزه (۲۰ تا ۲۴ مهر)، ملاقات کنندگان ژنو سه رشته تحریمهای جدید را علیه طرف گفت و گوی خود تصویب کردند. در بیستم مهر دولت انگلیس، شرکتهای این کشور را رابطه مالی و بازرگانی با بانک ملت و سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی منع کرد. دو روز بعد، کنگره آمریکا طرح تحریم جدیدی علیه شرکتهای خارجی فعال در صنایع نفت و گاز جمهوری اسلامی را به تصویب رساند. و دو روز بعد تر (۲۴ مهر) مجلس سنای آمریکا طرح مجازات صادر کنندگان سوخت به ایران تصویب کرد. وزیر خزانه داری آمریکا نیز چهار روز پس از ملاقات ژنو (۱۲ مهر)، در نشست صندوق بین المللی پول، رژیم ملاحا را به "پولشویی و تامین مالی تروریسم" متهم کرد و خواهان "اجرای دقیق تحریمهای سازمان ملل" شد.

### برآمد

در این میان اگر چه رهبران جمهوری اسلامی به شدت دچار سردرگمی شده اند و ابزار شادمانی آنان از "مذاکره با آمریکا" در ژنو به تدریج به انکار سرسختانه آن کشیده است اما آنچه که از دید آنها نمی تواند پنهان مانده باشد این است که حریف مقابل با کارتی مشابه آنچه که آنها در دست دارند، بازی می کند. دو طرف شکل ورود به بحران را تغییر داده اند بدون آنکه سیاست آنها در ماهیت تغییری کرده باشد.

## دستگیری اعضای کانون

### صنفي معلمان محكوم است

زینت میرهاشمی

با دستگیری فعالان کانون صنفی معلمان، بر شمار معلمان زندانی در سپاهجالیهای رژیم افزوده شد. معلمان و فرهنگیان ایران نتوانستند روز ۱۲ مهر، روز معلم را در زیر چکمه های مرگبار ولایت فقیه برگزار کنند. سه شنبه ۱۴ مرداد، با یورش ماموران به جلسه معلمان، ۱۲ نفر از اعضای کانون صنفی معلمان دستگیر شدند. علی اکبر باغانی، دبیر کل کانون در میان دستگیر شدگان است.

کانون صنفی معلمان در بیانیه ای که به مناسبت روز معلم منتشر کرده است ضمن تبریک «روز جهانی معلم» بر مطالبات و خواسته ای خود تاکید کرده اند:

«آزادی بی قید شرط همکاران فرهنگی در بند: رسول بدافقی، هاشم خواستار، فرزاد کمانگر، عبدالله مومنی، جعفر ابراهیمی، محمد داوری و ...

مختومه شدن تمامی پرونده هایی که از سال ۷۸ تا کنون در شعب مختلف دادگاهها و دادسراها بر علیه فعالان صنفی تشکیل شده و اعاده تمامی حقوق تضییع شده آنان.

رفع محدودیت از فعالیت همه ی نهادهای مدنی دانشجویان، حقوق زنان، کارگران، حقوقدان، روزنامه نگاران و ... به ویژه کانونها صنفی معلمان سراسر کشور.»

با تبریک روز جهانی معلم، از خواسته های معلمان و فرهنگیان دفاع می کنیم و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و متحمله معلمان در بند هستیم.

فراسوی خبر: ۱۵ مهر ۸۸

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

### نشست گروه ۲۰، رفرمها ضعیف

#### تر از بحران اقتصادی

آخرین هفته سپتامبر شهر پیتسبرگ در ایالت پنسلوانیا (آمریکای شمالی) مهماندار گروه جی ۲۰، مهمترین بازیگران اقتصاد جهانی بود. موضوع اصلی این نشست چاره اندیشی جدی برای بحران اقتصادی و چگونگی اداره سیستم مالی جهان اعلام شده بود. نتیجه نیز در حرف ادعای پیروزی بود اما به واقع بازیگران محافظه کار تر از آن بودند که به حرکت چشمگیری دست بزنند.

رفورمهای بنیادی که بدانها پرداخته نشد بسیار پر شمارتر از رفرمهای سطحی که در برنامه قرار داشت بود. و اما مانع اصلی این امر - همانطور که انتظار می رفت - مخالفت کمپانیهای بزرگ و پافشاریهای آنها بود.

در مقایسه با وسعتی که بحران اقتصادی که از یکسال پیش مردم جهان با آن دست و پنجه نرم می کنند دارد، اصلاحات رقیقی که تصویب شد و در هنگام اجرا ابکی تر نیز خواهد شد، هیچ به نظر می رسد.

جی ۲۰ با اعلام اینکه بانکها و نهادهای مالی باید سرمایه های بیشتری در حساب ذخیره خود داشته باشند، گامی مثبت برداشت. به عبارت دیگر، این بانکها برای هر دلار و یورویی که وام می دهند باید معادل آن در حساب ذخیره خود پول داشته باشند تا در مواقع لزوم از آن استفاده کنند. اما اشکال کار در این است که جی ۲۰ در مورد مقررات اجرای تصمیم خود بسیار ضعیف عمل کرد. بانکهای اروپایی تغییرات را در سطحی بسیار نازل می پذیرند اما بدون مقررات اجرایی جدی زیر بار تغییرات رادیکال نخواهند رفت. وقتی اساسی ترین و حاد ترین اقدامها با اینگونه مشکلات روبرو می شود، نشان می دهد که چگونه هنوز قدرت کمپانیهای بزرگ و نهادهای مالی در سیاست گذاری بحرانها تاثیرگذار است.

در نشست گروه ۲۰، دولت اوپاما تلاش کرد که پرداخت دستمزدهای بالا به مدیران ارشد را که آلمان و فرانسه به شدت بر آن تاکید دارند، محدود و یا ممنوع کند. حاصل تصمیم جی ۲۰ مقرراتی بود که پاسخ مثبت به این خواست نمی دهد و تنها به ارایه دستور عملی برای به تاخیر انداختن کمیابش پرداخت دستمزد و پاداشهای گزاف به بانکداران اکتفا می کند. این یک

پیرامون بررسی سهم بیشتر کشورهای در حال توسعه در تصمیم گیریها بود. کشورهای شرکت کننده پذیرفتند که اهمیت بیشتری به این کشورها داده شود. به طور معمول هر رای، برابر با اهمیت اقتصادی کشورها ارزش گذاری می شود. بسیاری معتقد بودند که در معیار محاسبه این اهمیت باید تغییراتی داده شود. گروه ۲۰ خواستار کاهش سهم ۵ درصدی کشورهایی شده است که بیشتر از اندازه به رای آنان اهمیت داده می شود.

برای نمونه، در حالی که توان اقتصادی انگلیس و فرانسه نیمی و یا کمتر از توان چین است اما هر یک به تنهایی سی درصد بیشتر از چین رای دارند. در این میان، سهم آمریکا در تصمیم گیریهای صندوق بین المللی پول ۱۷ درصد است. این میزان بدان لحاظ حایز اهمیت است که تصویب تصمیمات به ۸۵ رای نیاز دارد و سهم ۱۷ درصدی به آمریکا قدرت و تو داده است.

کشورهای در حال توسعه نیز با پشتیبانی آمریکا اصرار می ورزند تا نفوذ بیشتری در تصمیمات IMF داشته باشند. ایالات متحده خواهان بالا رفتن توان رای این کشورها دستکم به میزان ۵ درصد است. این اما بسیار بیشتر به ضرر اروپا و کمتر به زیان آمریکا است. به همین منظور بود که اوپاما در نشست گروه بیست نیز به طور جدی تبدیل گروه ۸\* به گروه ۲۰\* را پیگیری کرد.

اگر چه دولت اوپاما به موفقیتهایی در این رابطه دست یافت اما در نهایت مشکل بحران اقتصادی در جریان همین نشست حاد تر گردید. در اولین روز نشست صندوق بین المللی پول، قیمت دلار به شدت کاهش یافت. روزنامه انگلیسی ایندپندنت گزارشی منتشر کرد که خبر از تصمیمی بین کشورهای قدرمند نفتی عربی، چین، فرانسه، ژاپن و روسیه مبنی بر جایگزینی دلار با واحد پول دیگری برای معادلات نفتی می داد که البته کشورهای مزبور آن را تکذیب کردند. یک فاکتور دیگر که به حدس و گمانها علیه دلار دامن زد، تصمیم بانک مرکزی استرالیا بر بالا بردن نرخ بهره بود.

فشار بر دلار گویای نهادینه و سیستماتیک بودن بحران اقتصادی و اختلافات میان مهمترین قدرتهای اقتصادی جهان است. این درست خلاف اعلام رسمی IMF پس از نشست مبنی بر "بازگشت به رشد اقتصادی، واقعی ولی کند" و وعده دوران جدید اقتصاد جهانی همراه با "همکاری و مدیریت" می باشد. در واقع تضعیف دلار نشان دهنده شکسته شدن نظم اقتصاد سرمایه داری است که پس از جنگ جهانی متولد شد؛ نظمی که در آن قدرت اقتصادی بدون هیچ چالشی در دستان آمریکا قرار

گرفت. سقوط اقتصادی وال استریت و تاثیرات آن در اقتصاد جهانی، عمق سقوط اقتصادی سرمایه داری آمریکا در جهان را روشن می کند. در نتیجه، نفوذ این کشور در مناسبات اقتصادی جهان سیر نزولی طی خواهد کرد.

\* گروه ۸ متشکل از کشورهای عمده صنعتی شامل انگلستان، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، روسیه و ایالات متحده است

\* کشورهای عضو گروه ۲۰ عبارتند از آرژانتین، استرالیا، برزیل، انگلستان، کانادا، چین، آلمان، فرانسه، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، ایالات متحده و اتحادیه اروپا

### آمریکا بیطرف در کنار

#### کودتاچیان هندوراس

پس از کودتا در هندوراس، در نوامبر سال جاری انتخابات دیگری برای تعیین رئیس جمهور تازه ای که منافع آمریکا را به خطر نیاندازد انجام می شود. مانوئل زیلا، رئیس جمهور برکنار شده این انتخابات را تحریم کرده است. کودتاگران که مانوئل زیلا را متهم کرده اند خلاف قانون اساسی این کشور عمل کرده، وی را در کاخ ریاست جمهوری بازداشت و به کاستاریکا فرستادند.

این اقدام، مردم را به دو بخش تقسیم کرد، بخش تهیدست به هواداری زیلا برخاسته و تظاهرات وسیعی بر پا کرد که با خشونت نیروهای کودتاگر روبرو شد و کشته و زخمیهایی بسیاری بر جای گذاشت. بخش مرفه تر که نگران نزدیکی سیاستهای هندوراس به ونزوئلا است، به تظاهرات و دفاع از دولت کودتا پرداخت.

تلاشهای بسیاری از جانب کشورهای دیگر آمریکای لاتین به ویژه هوگو چاوز در جهت گرفتن حمایتی بین المللی برای بازگشت زیلا صورت گرفت. دولت کودتا نیز برای کاهش فشارها تصمیم گرفت از "سازمان کشورهای آمریکای لاتین" خارج شود اما نتوانست موافقت سازمان مذکور را به دست آورد.

دولت کودتا همچنین با مخالفت اتحادیه اروپا و سازمان ملل و غیره روبرو گردید. ونزوئلا از فروش نفت ارزان به آن خودداری کرد و تحریمها آغاز شد. بانک توسعه قاره آمریکا و بانک جهانی نیز از اعطای وامهای مورد نیاز این کشور خودداری کردند. در ردیف آخر، آمریکا که ۷۰ درصد تجارت در این کشور را در دست دارد اعلام کرد تنها مانوئل زیلا را رئیس جمهور قانونی این کشور می شناسد.

بقیه در صفحه ۶

آلترناتیو ضعیف دیگر به شمار می رود که در برابر غول بحران ناچیز است.

جی ۲۰ فقط یکی از چند بخش مدیریت اقتصاد جهانی است که گرچه به رفرمهایی هر چند سطحی دست می زند اما با ضعیف بودن مقررات اجرایی، امیدی برای تغییرات اساسی باقی نمی گذارد. نهادهای بزرگ مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز که می توانند ابزار اجرای این طرحهای اصلاحی را داشته باشند، خود بدون رفرم باقی مانده اند.

یکی از اقدامهای گروه ۲۰ توافق رهبران به اختصاص بیش از یک تریلیون دلار به شکل منابع جدید به صندوق بین المللی پول بود تا اثرات سقوط اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه کاهش دهد. اگر چه عملی شدن این امر زیر سوال است اما از آنجا که منابع مزبور از جانب صندوق بین المللی پول به دست گیرندگان می رسد و باز هم، با توجه به سابقه این نهاد مالی که در برابر پرداخت هر میزان وام، شرایط سنگین و سیاستهای نو - لیبرالی را تحمیل می کند، مشکل ساز خواهد بود.

از اقدامهای مهم گروه ۲۰ توافق کشورهای عضو در ایجاد تعادل مجدد در اقتصاد جهانی از طریق تشویق پس انداز و تکیه کمتر بر هزینه های مصرفی برای خروج از رکود در کشورهای مانند ایالات متحده که دارای بدهی سنگین هستند، است. همزمان تاکید شده تا کشورهایی با صادرات بالا مانند چین، مازاد تجاری خود را کاهش دهند.

اوپاما در این نشست، خواست جانشینی گروه ۲۰ به جای گروه ۸ را که بیشتر به نفع آمریکا خواهد بود، پیش برد. اختلافات و منافع پیچیده کشورها و به ویژه نهادهای بزرگ مالی و کمپانیهای بزرگ که هنوز حاضر نیستند دست از سودهای کلان بردارند، پروسه بهبود اقتصادی را ضعیف کرده است. جای پای گامهای اساسی و رادیکال هنوز باز نشده است.

### نشست صندوق بین المللی پول

#### (IMF) و بانک جهانی، بازگوی

#### ادامه بحران اقتصادی

یک هفته پس از نشست سران گروه ۲۰ در پیتسبرگ آمریکا، نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در ترکیه برگزار شد. محور بحث و گفتگوهای این نهاد بین المللی گفتگو

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۵

آقای اوپاما و خانم کلینتون درحالی خواستار بازگشت فوری قدرت به زیلا شدند که نفوذ نظامیان آمریکایی در ساختار ارتش هندوراس غیر قابل انکار است. با این حال آمریکا این دخالت را انکار می کند. جالب است که رهبران آمریکا تا کنون واژه "کودتا" را به زبان نیاورده اند. سیاست آمریکا و دولت اوپاما که ظاهری متمدانه تر دارد را نباید متفاوت با سیاستهای گذشته تصور کرد بلکه، باید در ادامه آن دید. هدف آمریکا بر هم زدن پیمان بولیواری "البا" که هندوراس نیز از اعضای آن است، می باشد.

اگرچه سیاست جدید دولت آمریکا که اوپاما آنرا پیش می برد به "عدم دخالت در امور کشورهای دیگر" تظاهر می کند، همان شیوه ای که در برابر جنبش مردم ایران به کار برده است اما در عمل با همین شیوه عدم حمایت، مهر تایید بر اعمال طرف ستمگر می گذارد و آن را تقویت می کند.

پیشتر، آقای زیلا و کودتاچیان موافت کرده بودند تا "اسکار آریاس"، رییس جمهور کاستاریکا برای حل بحران میانجیگری کند اما این مذاکرات به خوبی پیش نرفت و زیلا همانطور که گفته بود، از طریق نیکاراگوئه وارد خاک کشور خود شد. این عمل با واکنش سخت خانم کلینتون که این اقدام را "غیر مسوولانه" خواند، روبرو گردید. کلینتون از او خواست تا به پیشنهادات اسکار آریاس تن دهد. این پیشنهادها بازگشت او به عنوان رییس جمهور قانونی را در بر می گیرد و پذیرش شرایطی را در مقدمه خود دارد که شامل اعلام عفو عمومی عوامل کودتا و افراد شرکت کننده در آن، کوتاه آمدن از شعارهای خود علیه صاحبان صنایع، رهبران کلیسا و سایر مقامهایی که آنها را فاسد می خواند و اعلام بی درنگ اینکه قصد ندارد مجددا در انتخابات ریاست جمهوری آینده شرکت کند می باشد. اما چنانچه زیلا به این شرایط تن می داد، باعث تضعیف سیاسی و از سوی دیگر محبوبیت خود می شد.

بسیاری از کودتاگران آمریکای لاتین که اونیفورم ارتش را برتن داشتند، دوره های مرکز تعلیم نیروهای ویژه ایالات متحده آمریکا در "فورت بنینگ" در ایالت جورجیا را پشت سر گذشته اند. نگره پوخته، مسئول جنگ چایتنکارانه آمریکا در نیکاراگوئه و قتل ده ها فعال چپ، دانشجو، سندیکالیست، معلم و استاد در جریان انقلاب ساندنیستی این کشور بود. این عنصر "نتوکان" تا

چندی پیش رییس کلیه سازمانهای جاسوسی ایالات متحده آمریکا و مشاور وزیر امور خارجه این کشور، خانم کوندولینسا رایس بود و امروز جزو مشاورین خانم کلینتون است. به ادعای روزنامه فرانکفورتر آلگماینه، او در یک دفتر حقوقی به کار اشتغال دارد و از جمله مشاور کنسرن بزرگ کشاورزی آمریکایی "چیکیتا" است که در هندوراس دارای نفوذ فوق العاده ای می باشد

تحت رهبری نگره پوخته، در سال ۱۹۸۱ پایگاه نظامی Soto Cano در هندوراس تاسیس شد که طبق آمار رسمی در آن ۶۰۰ نظامی آمریکایی و به همین تعداد ارتشیان هندوراسی حضور دارند. آکادمی نیروی هوایی این کشور نیز در همین پایگاه مستقر است. زلایا در سال ۲۰۰۸ اعلام کرده بود که در نظر دارد با کمکهای مالی "البا" این پایگاه را به یک فرودگاه غیرنظامی تبدیل کند اما کودتا از اجرای این اقدام جلوگیری کرد. سفیر ایالات متحده آمریکا، هوگو یورنس قبل از کودتا سه بار با توطیه گران ملاقات کرده بود تا به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا راه حل دیگری پیدا کند

بازگشت رییس جمهور هندوراس نمادی از مقاومت مردم هندوراس است که تاثیرات عمیقی خواهد داشت. اول آنکه کودتای مخفیانه ای که به کمک آمریکا طرح ریزی شده را به شکست می کشاند و دیگر آنکه به خیزشهای مردمی برای پیشبرد مبارزات خود نیرو و انرژی می بخشد.

### جایزه صلح نوبل، یک مصلحت

#### اندیشی دیگر

آنهایی که از اهدای جایزه نوبل به اوپاما حیرت زده شده اند و یا او را به هیچوجه لایق دریافت این جایزه نمی دانند، به سابقه افرادی که این جوایز بدانها اهدا شده توجهی نکرده اند. این مدال افتخار نصیب کسی شده است که تا به حال هیچ جنگی را صلحجویانه به پایان نرسانده است و از طرفی برای شدت و حدت دادن به جنگ، به ویژه در افغانستان و پاکستان بیکار ننشسته است. بسیاری از جمله برخی از ایرانیان این رویداد را به نفع جمهوری اسلامی و پشتیبانی و یا تشویق اوپاما در سیاست ماماشات با رژیم می پندارند اما بینیم قصد کمیته نروژی چه بوده است؟

در میان هجوم اظهار نظرهای گوناگون پیرامون این خبر در رسانه های جهان از زاویه های چپ و راست، چشمگیرترین آن نامه آقای مایکل مور، کارگردان مستند ساز و منتقد آمریکایی به اوپاما با عنوان "جایزه صلح نوبل را گرفتی حالا شایستگی گرفتن آن را کسب کن" بود.

سابقه کمیته صلح نوبل در انتخاب نامزدهای خود برای اهدای این جایزه نشان داده است که به هدف متفاوتی از آنچه که مردم جهان انتظار دارند، می نگرد. تنها کفایت به برخی دیگر از انتخابهای این کمیته نگاه کنیم. برای نمونه وودرو ویلسون، روزولت و حتی کسینجر که او نیز این جایزه را دریافت کرده است.

هوارد زین، پرفسور و تاریخدان آمریکایی می گوید: "ویلسون به خاطر تشکیل لیگ ملل که هیچ اقدامی برای جلوگیری از جنگ نکرد این جایزه را گرفت. او کناره های ساحلی مکزیک را بمباران کرد، دست به اشغال نظامی هایتی و جمهوری دومینکن زد و آمریکا را به کشتارگاه اروپا در جنگ جهانی دوم کشاند.

روزولت که صلح بین ژاپن و روسیه را بر هم زد، شریک تسخیر کوبا شد. او در حالی که وانمود می کرد این جزیره کوچک را از دست اسپانیا آزاد می کند، زنجیرهای آمریکا را بر پای پان محکم می کرد. روزولت در جنگ فلیپین حتی به ژنرالی که ۶۰۰ نفر را قتل و عام کرده بود، تبریک گفت.

کمیته صلح نوبل این جایزه را به مارک تاین که روزولت را به خاطر جنگ افروزی مورد انتقاد شدید قرار داد و یا ویلیام جیمز، رهبر لیگ ضد امپریالیست تقدیم نکرد اما آنرا به کسینجر که از جمله معماران جنگ ویتنام بود، اهدا نمود."

بر همین روال پس از دوران سیاه و جنگهای خانمانسوز آمریکا تحت رهبری دولت بوش اکنون نوبت آن می رسد که آقای اوپاما و مردم آمریکا به آرامش تشویق شوند. دولت اوپاما از پیش گامهایی برای این منظور برداشته است که متفاوت نه در هدف بلکه، در تاکتیک با دولت بوش است. برای نمونه، به ظاهر دولت اوپاما به این نتیجه رسیده است که طالبان تهدید مستقیمی برای آمریکا نیست و آمریکا می تواند با نقش داشتن طالبان در افغانستان کنار بیاید. این در حالیست که نیروهای دست راستی، ارتش و مجلس و رسانه ها سیاست مزبور را تسلیم به حساب می آورند و خواهان جنگ تمام و کمال با طالبان هستند. در این زمینه کمیته صلح نوبل به راستگرایان پیام می دهد که عقب نشینی کنند.

از سوی دیگر، دولت اوپاما قول ارتباط دیپلماتیک با ایران را برای حل مساله هسته ای داده است. طرفداران این اقدام می گویند که اوپاما از کار غیر ممکن دست کشیده و به راه حلهای ممکن مانند باز کردن درهای تاسیسات هسته ای به طور کامل به روی بازرسان سازمان ملل رو آورده است. اوپاما همزمان برای کوتاه کردن دست رژیم از سلاح هسته ای اقدامهای جدی تری را به پیش می برد. برچیدن

سلاح هسته ای یکی از مهمترین قولهایی بود که او هنگام انتخابات به مردم آمریکا و سراسر جهان داد. اگر انتظار داریم جایزه صلح نوبل به کسانی برسد که به واقع در راه صلح گامهای بزرگی برداشته و دستاوردهای چشمگیری نیز داشته اند، باید آرزوی بازنشستگی این کمیته و سپردن صندوق آن به دست سازمانهای صلح جهانی را بکنیم.

### چین در شصدمین سالگرد

#### انقلاب توده ای، در بربریت

#### سرمایه داری

اول اکتبر سال ۲۰۰۹، انقلاب چین ۶۰ ساله شد. جنبش انقلابی چین بخشی از جنبش طبقه کارگر و توده های ستمدیده جهان پس از جنگ جهانی دوم بود. اهمیت این انقلاب در رها ساختن میلیونها مردم زحمتکش از قید روابط فئودالی و استعماری در کشور پر جمعیت چین بود. با اینهمه سرنوشت این انقلاب نیز همچون انقلاب اکتبر با شکست روبرو شد و هر دو به بربریت سرمایه داری کشانده شدند. پیرامون پروسه این شکست و دلایل آن بسیار گفته و نوشته شده است که مطالعه آن برای مدافعان سوسیالیسم دارای اهمیت است.

۶۰ سال بعد در حالی که هنوز چین برچسب "کمونیست" را بر خود می زند، به آسانی می تواند دید که کاملاً در اقتصاد سرمایه داری جهانی غوطه ور شده است. استثمار میلیونها کارگر با دستمزد ناچیز و خریدهای هنگفت از بورس آمریکا تنها دو برهان بر این ادعاست.

در مراسم شصتمین سال تاسیس جمهوری خلق چین تلاش شده بود تا انتقال چین از یک کشور فقیر به یک حریف و زرنه جهانی برجسته شود. نمایش قدرت نظامی و رژه ارتش و حرکت تانکها و موشک اندازهها که همگی ساخت این کشور بودند در خیابانهای پکن در حالی صورت می گرفت که ساکنان پایتخت از شرکت در آن و حضور در خیابانها محروم شده بودند. رفت و آمد در مرکز شهر ۱۷ میلیونی پکن ممنوع اعلام شده بود و تنها به میهمانان خارجی، نظامیها و نمایندگان رسانه ها اجازه رفت و آمد داده شده بود. به ساکنان پکن همچنین توصیه شده بود مراسم را از تلویزیون دنبال کنند. رییس جمهوری چین در این مراسم، کشورش را در موقعیت محکمی در سطح جهان دانست و گفت: "تنها سوسیالیسم است که می تواند چین را نجات دهد و تنها اجرای اصلاحات و سیاست درهای باز متضمن پیشرفت این کشور است."

بقیه در صفحه ۱۴

## ششمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد

## قطعنامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی\*

### مصوب ششمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اول تا سوم آبان ۱۳۸۸ برابر با ۲۳-۲۴-۲۵ اکتبر ۲۰۰۹

### بخش اول:

### زمینه های شکل گیری بحران غیرقانونی (انقلابی) و شکل گیری خیزشها و قیام مردم

در دست دارند. (ایلنا، شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۳ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۴)

سازمان ملل متحد در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۴ اعلام کرد: نصف درآمد ایران به ۲۰ درصد قشر ثروتمند این کشور اختصاص دارد... در عین حال ۲۰ درصد قشر فقیر ایران تنها ۵/۱ درصد درآمد کشور را به خود اختصاص داده اند. (خبرگزاری فارس، شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۳ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۴)

\* در درون هرم قدرت و ثروت، تضاد بین بخشهای مختلف بورژوازی به تنشها و چالشهای گوناگون در حیات نظام منجر شده است. توضیح و تحلیل اقتصادی این تضادها و بررسی عملکرد بخشهای مختلف بورژوازی ایران و سایه روشنهایی که گرداگرد این گروهبندیها وجود دارد ما را به این سمت هدایت می کند که در کلی ترین تصویر دو دسته بندی اساسی در حاکمیت وجود دارد.

جناحی که بر اسلامیت نظام تاکید مطلق داشته و عناصر جمهورییت در قانون اساسی برایش فاقد ارزش عملی است. در این گرایش تا چهار سال پیش جناح بازار و مولفان اسلامی و متحدانش در روحانیت نقش تعیین کننده داشته اند.

گرایش دیگر در این جناح که از ۴ سال پیش به نیروی اصلی در حاکمیت تبدیل شد، جناح نظامی امنیتی است که سمبل آنان محمود احمدی نژاد است.

هر دو این گرایشها در این جناح بر ولایت مطلقه فقیه و به نقش بی بدیل خامنه ای تاکید کرده و در عمق به ولایت اسلامی به جای جمهوری اسلامی اعتقاد دارند.

جناح دیگر بر عناصر جمهوری در قانون اساسی با اعتقاد بر ولایت فقیه قابل کنترل تاکید دارند. کسانی چون رفسنجانی، خاتمی، موسوی و کروبی در این جناح جای دارند. در پایان دهه اول حیات رژیم و با مرگ خمینی که نقش مهمی در کنترل تضادها داشت، چالش بین این دو جناح در عرصه های مختلف نمود بیرونی پیدا کرد.

بقیه در صفحه ۸

۱- بحران کنونی محصول انکشاف و تعمیق تضادهایی است که طی دوران سی ساله نظام جمهوری اسلامی در تار و پود جامعه ایران رشد و نمو کرده است. این تضادها در دو وجه عام و خاص شمارش می شود: \* تضاد بین زیر بنای اقتصادی جامعه که بر مناسبات سرمایه داری در یک کشور پیرامونی استوار است با رونمای سیاسی که بر اساس استبداد مذهبی ولایت فقیه سامان یافته، است. این تضاد به اشکال مختلف بروز پیدا می کند که مهمترین آن تضاد بین جامعه در گسترده ترین ابعاد آن با حاکمیت سیاسی در تمامیت آن است.

مردم ایران طی ۳۰ سال گذشته به اشکال مختلف و در شرایط گوناگون تضاد آشتی ناپذیر خود با رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه را نشان داده اند.

این تضاد در عرصه های مختلف حیات اجتماعی به اشکال مختلف و از جمله در مبارزه طبقاتی کارگران و مزدبگیران ایران، در پیکارهای اجتماعی/سیاسی دانشجویان و جوانان، در مبارزه علیه تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی و نیز در تضاد مدرنیسم و سنت گرایی در عرصه فرهنگی و در چالش و ستیز بین نیروهای سیاسی دمکراتیک با حاکمیت خود را نشان داده است.

چند نمونه از میان اینونه نمونه به نقل از رسانه های دولتی گویای چنین وضعی است. براساس آمار منتشره که مربوط به سال ۱۳۸۱ می باشد، نسبت هزینه دهک بالا (ثروتمندترین خانوارها) به دهک پایین (فقیرترین خانوارها) ۱۸/۵ برابر است. (خبرگزاری فارس، یکشنبه ۱۴ تیر ۱۳۸۳ - ۴ ژوئیه ۲۰۰۴)

در حال حاضر شکاف طبقاتی در جامعه ایران به شدت رو به افزایش است. به طوری که ۳ درصد از افراد، ۷۰ درصد از ثروت جامعه را

زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود.

نشست شورای عالی سازمان آنگاه فعالیت نهادها و ارگانهای سازمان در فاصله دو نشست خود را با شنیدن گزارش مسئولان مربوطه مورد بررسی قرار داد. در همین رابطه، مسئولان گروه کاری تحقیق و بررسی که از سوی نشست قبلی شورای عالی ماموریت یافته بود نیز نتایج و یافته های خود را ارائه کردند.

نشست با تفکیک موضوعی نقاط قوت و ضعف در جنبه های گوناگون فعالیت بیرونی سازمان، راهکارهای تقویت و ارتقا کوششهای تشکیلاتی را به بحث گذاشت و مفاد اجرایی آن را جمع بندی کرد. آخرین بند دستور کار نشست، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شورای عالی سازمان براساس مصوبه جدید خود که ناظر بر گسترش این نهاد است، اعضای کمیته مرکزی را با رای گیری مخفی برگزید.

نشست شورای عالی سازمان در جوی رفیقانه و پر شور با سرود انترناسیونال به نشست موفقیت آمیز خود پایان داد.

کمیته مرکزی منتخب شورای عالی، در نخستین جلسه خود که بی درنگ پس از پایان نشست برگزار گردید، پیرامون قراردادهای شورای عالی تصمیماتی اتخاذ شد و در پایان کمیته مرکزی رفیق مهدی سامع را به عنوان سخنگوی سازمان، و نیز اعضای هیات تحریریه نبرد خلق و مسئولان ارگانهای تشکیلاتی و اجرایی را منصوب کرد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۴ آبان ۱۳۸۸

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بین روزهای ۱ تا ۳ آبان ماه (۲۳ تا ۲۵ اکتبر) نشست دوره ای شورای عالی خود را برگزار کرد. این نشست که با حضور مسئولان، کادرها و اعضای سازمان و همچنین شماری از میهمانان تشکیل شد، با یک دقیقه سکوت به احترام و در بزرگداشت یاد و خاطره شهدا و زندانیان جنبش فدایی و خیزش اخیر مردم ایران آغاز به کار کرد.

نشست با تصویب دستور کار، ارائه شده از سوی دبیرخانه سازمان و انتخاب رییس و منشیهای جلسه وارد دستور شد. در نخستین بخش، سخنگوی سازمان، رفیق مهدی سامع گزارش سیاسی خود را که به مجموعه رویدادهای کشور، خیزش دمکراتیک، زمینه ها و اشکال سامان یافتگی و سازمان دهی آن و ترکیب و سمتگیری نیروهای عمده در صحنه سیاسی اختصاص داشت، در دو بخش ارائه و به بحث گذاشت.

شورای عالی سازمان پس از گفت و گو و تبادل گسترده آراء، گزارش سخنگوی سازمان را به تصویب رساند. پیرامون مضامین این سند در سمینارهای ماهانه سازمان نیز بحث و تبادل نظر شده بود.

شورای عالی سازمان سپس قطعنامه پیشنهادی، در باره بحران جهانی سرمایه داری را که توسط رفیق منصور امان به اجلاس ارائه شده بود، به بحث گذاشت. این قطعنامه، مشخصات بحران مالی سرمایه داری، راه حلهای بورژوازی و گزینه های سوسیالیستی و وظایف کمونیستها را دربر می گرفت و پس از تکمیل و اصلاحات مورد تصویب نشست قرار گرفت.

از هنگام بروز بحران جهانی مالی در سمینارهای سازمان دیدگاههای مختلف در این

## قطعه‌نامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی

بقیه از صفحه ۷

\*تضاد بین حاکمیت با جامعه جهانی که طی ۳۰ سال گذشته به اشکال مختلف بروز کرده است. مساله اصلی برای حاکمیت ولایت فقیه تامین امنیت نظام از طریق اعمال هژمونی در منطقه و ایجاد خلافت اسلامی است. همه جناح‌های درون هرم قدرت و ثروت در ایران خواستار ادغام هرچه بیشتر در نظم جدید جهانی که بر جهانی سازی نئو لیبرال استوار است می باشند. اما اهداف آنان و نوع عملشان و چگونگی تعامل یا ستیز با روند جهانی سازی مساله مورد مشاچه در درون حکومت بوده و خواهد بود.

۲- سازمان ما در قطعه‌نامه اجلاس قبلی خود که پس از برآمد احمدی نژاد برگزار شد، اعلام کرد که: «جمهوری اسلامی پس از شکست در جنگ ۸ ساله و پس از مرگ خمینی، با چالش انتخاب راه و ترکیب قدرت روبرو بود. طی ۱۶ سال ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی گر چه بنیادهای ولایت فقیه پابرجا بود اما از آنجا که ولایت فقیه به طور ماهوی شریک پذیر نیست و نمی تواند بدون منافع محور و عمود خیمه نظام هیچ قانونی را بپذیرد، و مهمتر از آن به علت وجود خواسته‌های انباشت شده مردم ایران برای دمکراسی، عدالت و حکومت عرفی، ولی فقیه نظام با چالشهای مهمی روبرو بود که برای غلبه بر آن راه یک پایه کردن حکومت را انتخاب کرد. دوران گذار ۱۶ ساله سرانجام با تصمیم ولی فقیه، منجر به قدرت رسیدن احمدی نژاد و بندهای نظامی - امنیتی شد. هدف خامنه ای از این جراحی به نسبت سخت و بستن شکاف در بالا، مقابله با جنبش مردم ایران که دارای خصلت برانداز است و استفاده بهینه از «فرصت» عراق، افغانستان و لبنان و «حربه» اتم برای گرفتن تضمین امنیتی و پیشبرد هدف استراتژیک خود یعنی ایجاد خلافت اسلامی می باشد.» (قطعه‌نامه مصوب پنجمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶)

۴ سال پیش در حالی که ولایت خامنه ای در عرصه داخلی با چالشهای اساسی در عرصه امنیت نظام روبرو بود، از فرصت بی نظیری که جرج بوش در حمله و اشغال عراق برای رژیم ایران فراهم کرده بود استفاده کرد و راه نجات سلطنت مطلقه اش را در حذف شرکای قبلی پیدا کرد. بدین ترتیب

پروسه یک پایه کردن حکومت و تامین امنیت ولایت با به گل نشستن کشتی جنگی آمریکا در عراق آغاز شد. آن چه طرفداران میرحسین موسوی و مهدی کروبی از آن با نام «کودتا» صحبت می کنند، در حقیقت در ۴ سال قبل و در جریان انتخابات نمایشی برای نهمین دوره ریاست جمهوری رژیم به وقوع پیوسته است.

وجه خاص تصادهایی که منجر به بحران کنونی شده، محصول سیاست ولی فقیه برای یک پایه کردن ولایتش و برآمد احمدی نژاد و باند نظامی - امنیتی که در آن سپاه پاسداران نقش اصلی دارد است.

۳- در دوران چهار سال اول گماشته ولی فقیه تمامی تضادهای درونی جامعه به صورت هندسی رشد و گسترش و تعمیق یافت. ما در قطعه‌نامه پنجمین شورای عالی سازمان اعلام کردیم که: «جامعه ایران ایستن تحولات بزرگی است. تلاش خامنه ای برای یکدست کردن حکومت، کل رژیم را با بحرانها و مشکلات زیادی روبرو کرده است. درگیری باندهای داخلی رژیم در مقابله با باند نظامی - امنیتی تحت امر ولی فقیه باعث شده تا این بحران به تمامی ارکان جامعه تسری یابد.» (همان جا)

در عرصه اقتصادی و علیرغم افزایش بی سابقه قیمت نفت خام، اقتصاد ایران سیر نزولی پیدا کرد. نقدینگی از ۶۰ هزار میلیارد تومان به حدود ۲۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرد و این حجم از پول نقد در تمام تاریخ پول ایران بی سابقه است.

محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی می گوید: «نقدینگی به بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و هر چه میزان نقدینگی افزایش یابد، تورم نیز افزایش می یابد.» (ایلنا اول مهر ماه ۱۳۸۸)

همچنین گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۴ سازمان ملل حاکی است: در بین ۱۴۳ کشور جهان، نرخ تورم در ایران از ۱۲۷ کشور بیشتر است. (خبرگزاری فارس، یکشنبه ۲۸ تیر ۱۳۸۳ - ۱۸ ژانویه ۲۰۰۴)

روزنامه سرمایه در روز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ در مورد درآمدهای نفتی در ۴۰ سال گذشته می نویسد: «بررسی درآمد حاصل از فروش نفت خام نشان می دهد متوسط درآمد سالانه در دوره دولت احمدی نژاد ۲/۵ برابر متوسط درآمد سالانه دوره خاتمی، ۴/۳ برابر دوره هاشمی، ۴/۸ برابر دوره میرحسین موسوی و ۵ برابر دوره ۹ ساله آخر حیات پهلوی بوده است.»

با وجود چنین درآمد بی سابقه ای بحران سرمایه گذاری با شدت افزایش پیدا کرد و بسیاری از واحدهای تولیدی در نبود سرمایه گذاری موثر و با وجود ورود بی رویه بعضی از کالاها که در

دست شرکای احمدی نژاد بود، تعطیل و کارکنان آن به ارتش بیکاران پیوستند.

دامنه خصوصی سازی بسا فراتر از دوران ۱۶ ساله رفسنجانی و خاتمی گسترش پیدا کرد. سپاه پاسداران با چنگ انداختن بر روی واحدهای بزرگ سودده نقش مهمی در اقتصاد ایران کسب کرد.

مدیریت ناکارآمد قبلی بر اقتصاد به کلی ویران و مدیریت احمدی نژادی که خود آن را مدیریت «امام زمانی» می نامد جایگزین آن شد.

سایت سلام در روز جمعه ۱۵ خرداد ۱۳۸۸ از قول غلامحسین کرباسچی در مورد وزرای احمدی نژاد نوشت: «محصولی، علی آبادی وسعیدلو به عنوان سه تن از اعضای هیات دولت احمدی نژاد بیش از تمامی وزرا و روسای جمهور دولتهای گذشته» ثروت دارند.

نرخ تورم با افزایش نقدینگی و با توزیع بی رویه پول و دادن اعتبار به طرحهای زود بازده، بدون کنترل گردش این اعتبار و به طور کلی با تقویت اقتصاد انگلی و دلالی و رانتی افزایش بی سابقه پیدا کرده و به حدود ۲۶ درصد رسیده است، شکاف طبقاتی رشد عظیمی پیدا کرد و زندگی قاطبه مردم به فلاکت کشیده شد.

در عرصه سیاسی و اجتماعی فشار، سرکوبی، زندان، شکنجه و اعدام افزایش پیدا کرد. در عرصه بین المللی با لغو تعلیق غنی سازی چرخه قطعه‌نامه ها و تحریم ها در شورای امنیت به حرکت درآمد و مساله اتمی به یک موضوع حد و پیچیده در مناسبات رژیم با جامعه جهانی تبدیل شد که هنوز هم ادامه دارد.

اما طی همین دوران چهارساله ولایت خامنه ای توانست جنبشهای اجتماعی گوناگون مردمی را مهار کند و این جنبشها با شدت و حدت ادامه داشت.

در این میان جنبشهای کارگری، زنان، دانشجویان، جوانان و فعالیتهای نیروهای سیاسی دمکرات، چپ و آزادیخواه نقش آفرین بودند. همچنین حکومت با همه تلاشهای وقفه ناپذیرش نتوانست بر تصمیم قوه قضائیه اتحادیه اروپا برای خارج کردن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی تاثیر بگذارد.

سیاست برچیدن کمپ اشرف که در قرارداد امنیتی بین رژیم ایران و دولت عراق به امضا رسیده و خامنه ای در روز ۱۰ اسفند ۱۳۸۷ در ملاقاتی که جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق با وی در تهران داشت آن را به شکل امرانه علنی کرد با مقاومت و پایداری ساکنان این کمپ و حمایت داخلی و بین المللی از حقوق انسانی آنان با چالش جدی روبرو شد.

۴- در چنین شرایطی خامنه ای که طرح بیرون آوردن احمدی نژاد از صندوقهای انتخاباتی را مهندسی کرده بود، دست به تدابیر گوناگونی زد. برای ولی فقیه نظام لازم بود تا با اجرای مانور به اصطلاح رقابتی هم رقبای داخلی را از طریق رای سازی حذف کند و هم در مذاکره با اوپاما که سیاست مذاکره غیرمشروط با جمهوری اسلامی را اعلام کرده بود از کارت داشتن مشروعیت انتخاباتی استفاده کند. ظرفیت سازیهای جناح خاتمی و شرکا به ولی فقیه این امکان را داد که طرح مهندسی شده خود را به شکل موزیانه تری به پیش ببرد. خامنه ای همه تلاشهایی که می توانست در مقابل گماشته اش یک جریان رقیب را طراحی کند، مرحله به مرحله از دور خارج کرد. روز چهارشنبه ۸ آبان ۱۳۸۷ او تاکید کرد که: «عده ای با عجله از حالا مباحث انتخاباتی را شروع کرده اند که این فعالیتهای زود هنگام انتخاباتی موجب منحرف شدن ذهنها از مسائل اصلی، مشغول کردن افراد به یکدیگر، و برخی بدگوییها می شود و این به ضرر مصالح کشور است.»

این سخنان را خامنه ای نه در مقابل اصلاح طلبان دولتی که علیه گروه ناطق نوری، محسن رضایی، علی لاریجانی و... که طرح «دولت وحدت ملی» را در تابستان سال ۱۳۸۷ به بحث درون جناحی گذاشتند، مطرح کرد. دارو دسته احمدی نژاد که جلسات ناطق نوری را به سخره می گرفتند، این طرح را یک ترفند از نوع «انقلاب مخملی» معرفی کردند.

تهدید به تروژ خاتمی سبب شد که وی کاندیداتوری خود را به پنهان این که میر حسین موسوی به صحنه آمده است پس بگیرد.

سرانجام شورای نگهبان قانون اساسی روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ از میان ۴۷۵ تن که در وزارت کشور ثبت نام کرده بودند، صلاحیت ۴ تن را تأیید کرد.

۵- قبیل از شروع تبلیغات انتخاباتی، خامنه ای به بیانهای گوناگون، بدون آن که اسم بیاورد، از گماشته اش حمایت کرده بود.

در آن زمان خامنه ای به دنبال آن بود که حتی بر جزئیات این نمایش کنترل و نظارت داشته باشد. خامنه ای در روز اول فروردین امسال در مشهد اعلام کرد که یک رای دارد و از هیچ کاندیدا به طور علنی حمایت نمی کند.

بعدا با سریال سخنرانیهایش در کردستان و آدرسهایی که ارایه داد، همگان دریافتند که کاندیدای «اصلاح» از نظر او محمود احمدی نژاد است.

بقیه در صفحه ۹



## قطعه‌نامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی

بقیه از صفحه ۸

روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ خامنه ای در سنج گفت: «مسئله بعدی در انتخابات اینه که مردم سعی کنند صالح ترین را انتخاب کنند، آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آنها زیر ذره بین قرار می گیرد و شورای نگهبان صلاحیت آنها را اعلام می کند اینها صالحند، اینها همه شان صالحند، اما مهم این است که شما در بین افراد صالح بگردید صالح ترین را پیدا کنید. این جا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفا بکنیم، دنبال حداکثر باشید بهترین را انتخاب کنید.»

خامنه ای در ادامه و در توضیح مشخصات بهترین شخص گفت: «شاخصهایی وجود دارد. بهترین آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد، آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل پرستی است..... اولین کار اینه که ما مسئول کشور را، مسئولین کشور را افرادی انتخاب کنیم مردمی باشند، ساده زیست باشند، درد مردم را بدانند، خودشان احساس درد کنند از درد مردم، این هم به نظر من شاخص مهمی است، بگردید، آگاهانه، برسید و به آن چه که رسیدید و تشخیص دادید اقدام کنید و قصد قربت کنید.»

روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ولی فقیه رژیم در مریوان خطاب به یادیش گفت: «این که مسئولان ما، یا نامزدهای انتخاباتی برای جلب توجه دیگران، حرفهای غریبها را تکرار کنند، امتیازی محسوب نمی شود.»

روز دو شنبه ۲۸ اردیبهشت خامنه ای در بیجار گفت: «... معیارها مشخص است. من آن روز عرض کردم. این هم مکمل آنهاست. در انتخاب خود توجه کنید. کسانی نیایند سر کار با رای ملت که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و ابروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق گویی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، با تملق گویی به آنها بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین المللی به خیال خودشان دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد.»

خامنه ای همچنین در واکنش به تشکیل «کمیته صیانت از آرا» که از طرف میرحسین موسوی تشکیل شده بود روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ در یک سخنرانی در تهران گفت: «به رغم تلاش دشمن برای خدشه دار کردن انتخابات در جمهوری اسلامی

ایران، ملت بزرگ ایران با حضور پر شور و صمیمانه خود در انتخابات ریاست جمهوری، انتخاباتی می آفریند که دشمن را خشمگین کند..... متأسفانه برخی دوستان بی انصاف و کسانی که جزو ملت هستند و توقع دارند مردم به آنها توجه کنند، با ناسپاسی علیه ملت حرف می زنند و با تکرار دروغ دشمن، سلامت انتخابات را زیر سوال می برند.»

بدین ترتیب خامنه ای بدون تردید، عزم خود برای به کرسی نشاندن یک کوتوله سیاسی و یک گماشته گوش به فرمان را به اطلاع همگان رساند و از پیش با فریاد «دزد، دزد» بشارت داد که همه چیز آماده است تا منفورترین بازیگر سیاسی صحنه نمایش را با توسل به قدرت دولتی به شمول سپاه پاسداران، بسیج، ارگانهای علنی و مخفی امنیتی و در دست داشتن مجریان اصلی در وزارت کشور و به خصوص اطاق جادوگری «تجمع آرا»، محمود احمدی نژاد را در دور اول از صندوقهای اخذ رای که در کل کشور ۴۵ هزار و ۷۵۸ شعبه که ۱۴ هزار و ۱۸۰ شعبه آن سیار بود بیرون آورد.

۶- برای تبلیغات انتخاباتی سه هفته در نظر گرفته شده بود. در این زمان خامنه ای با اشتباه محاسبه از بحرانی که به نقطه غلیان آن نزدیک می شد، تن به انجام مناظره میان کاندیداها داد. مناظره اول سرد و بی رمق برگزار شد. در مناظره دوم میان میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد بروز بحران و غیرقانونی کلید خورد. احمدی نژاد در مقابل چشم ملیونها ایرانی شکاف در هرم قدرت را باز کرد. این عمل احمدی نژاد به طور قطع و یقین به فرموده ولی فقیه و برای حذف رفسنجانی به مثابه پدرخوانده جناح رقیب صورت گرفت. اما خامنه ای هرگز تصور نمی کرد که این تاکتیک در راهکار مهندسی شده اش به ضد خودش تبدیل شود. رفسنجانی طی یک نامه سرگشاده به ولی فقیه خواستار پاسخگویی در تلویزیون شد. این نامه بدون پاسخ ماند و در آرشيو «بیت رهبر» بایگانی شد.

روز ۲۲ خرداد شعبده بازی انتخاباتی برگزار شد. در مورد تقلبهایی که در پروسه برگزاری این نمایش و در جریان ۲۴ ساعت پس از پایان آن تا اعلام نتیجه صورت گرفته اسناد و مدارک زیادی منتشر شده که یکی از مهمترینها گزارش کمیته صیانت از آرای موسوی است. اگر قبل از اجرای نمایش انتخاباتی نیروهای تحریم کننده این شعبده بازی از تقلب، رای سازیهای نجومی، مدیریت به منظور رسیدن به نتیجه از پیش تعیین شده و ..... صحبت می کردند، اکنون این میرحسین موسوی و مهدی کروبی است که از «شعبده بازی»، «صحنه

آرایی» و «حاکمیت دروغ و استبداد» اظهار «شگفتی» می کند.

روز شنبه ۲۳ خرداد نتایج این نمایش مهر محکمی بر تأیید تقلبی و مضحک بودن این چشم بندی ناشیانه و بلاهت آمیز زد. اطاق تجمیع آرا گماشته زنگار گرفته ولی فقیه را با لاک و روغن ۶۲ درصد آرا به عنوان رئیس جمهور اعلام کرد. از این زمان بحران غیرقانونی که در روز ۱۳ خرداد کلیدخورده بود، با واکنش خشمگین و به حق خیل گسترده مردم بارز شد و مردم را به خیابانها آورد.

روز ۲۳ خرداد به بشکه پر از باروت خشم و نفرت مردم جرقه ای زده شد و انفجار خشم مردم نشان داد که مردم دیگر نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند و روانشناسی تغییر در بین مردم شکل گرفته است. از آن زمان تاکنون تمامی رویدادها صحت این تحلیل از شرایط را به ثبوت می رساند.

۷- بدیهی است که در چنین شرایطی قدرت سیاسی به حاکمیت خود ادامه می دهد و سعی می کند بحران را به سود خود مدیریت کند. اما نکته مهم و محوری این است که قدرت حاکم نمی تواند به «شکل گذشته» حکومت کند و ناچار است به دنبال راه حل باشد.

برای خامنه ای در کلی ترین حالت دو راه حل وجود دارد. راه اول تن دادن به عقب نشینی و تجدید انتخابات است. این راه حل قیام و خیزش مردم را با شتاب به سمت تغییر رادیکال جهت می دهد. راه حل دوم ادامه سرکوب تا جایی که در توش و توانش باشد. خامنه ای تاکنون در مسیر دوم حرکت می کند. در شرایطی که هزینه سازش برای وی و جناح مغلوب بسیار بالا رفته، وی باید همزمان هم جنبش در پائین را سرکوب کند و هم شکاف در بالا را ترمیم نماید. بدیهی است که سازش در بالا برای ولی فقیه از جنس راه حل اول تلقی می شود.

استبدادی مذهبی ولایت فقیه (انقلاب سیاسی دمکراتیک) و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی تلاش می کنیم و از این جهت شعار محوری ما در این شرایط چنین است:

«ما بی شمارانیم و برای سرنوشت رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم» و «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## بخش دوم: خیزشها و جنبشهای اجتماعی مردم ایران و سازماندهی شبکه ای

۸- جنبش مردم ایران بر بستر بحران انقلابی (غیر قانونی) که طی چند ماه گذشته در تار و پود جامعه ایران رخنه کرده و سیاست به معنی دقیق آن را در کانون عمل خود قرار داده، جنبشی رنگین کمان و آزادیخواهانه است که روز به روز بر ابعاد آن از نظر کمی و کیفی افزوده می شود. خیزشها و قیامهای چند ماهه اخیر به شمول تظاهرات ۲۵ خرداد، شنبه ۳۰ خرداد، ۱۸ تیر، جمعه ۲۶ تیر (در نماز جمعه که رفسنجانی اجرا کرد)، روز چهارم شهزادی ۳۰ خرداد و آخرین جمعه ماه رمضان ..... نشان می دهد که روانشناسی تغییر در بین توده های مردم شکل گرفته است. شکل گیری و تکامل روانشناسی تغییر در مردم ایران محصول شکست و فروپاشی اقتدار ولی فقیه است.

«ما بی شمارانیم و برای سرنوشت رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم» و «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

اتوریت عمود خیمه نظام هم در بین توده ها و هم در هرم قدرت به کلی درهم شکسته شده و این دیگر قابل بازسازی نیست.

۹- تضاد عمده در ایران که از خصلت و ماهیت مناسبات اقتصادی و قدرت سیاسی ناشی می شود، تضاد بین مردم و قدرت سیاسی یعنی استبداد مذهبی ولایت فقیه است. بقیه در صفحه ۱۰

در مقابل قدرت حاکم دو صف بندی در کلی ترین حالت شکل گرفته است. صف رفرم و صف انقلاب. انباشت تضادها و شدت و حدت آن و نیز شیوه اعمال حاکمیت از جانب قدرت مسلط وضعیتی به وجود آورده که جنبه رفرم و جنبه انقلاب در همسوییهای با هم به سر می برند. ترکیب خیزشها و تنوع شعارها و شکل سازمانی که جنبش به خود گرفته این پدیده خاص در این مرحله را تأیید می کند.

ما همچنان که در منشور سازمان آمده است برای سرنوشت رژیم

## قطعه‌نامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی

بقیه از صفحه ۹

این تضاد در اصطکاک بین زندگی اجتماعی مردم و رژیم حاکم نمایان می شود.

رژیم ایران که مدافع «آزادی تجارت» به شکل سوداگری، جلب حمایت انحصارات تکولیبرالی و ساخت و پخته‌های بین المللی است، به منظور تامین امنیت و کسب هژمونی در خاورمیانه به صدور بنیادگرایی اسلامی مبادرت می کند.

حاکمیت ایران بر اساس یک نظام دینی و با سرکوب در داخل و توسعه بنیادگرایی اسلامی در خارج به حیات خود ادامه می دهد. این رژیم تا کنون بیشترین کمک را به نیروهای جنگ طلب در سطح جهانی نموده است. مردم ایران با شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» مخالفت خود را با «سیاست توسعه بنیادگرایی اسلامی» که ام القرای آن در تهران و قلب و مغز آن در بیت ولی فقیه است، نشان داده اند.

۱۰- خیزشها و قیامهای اخیر، جنبشی ضد دیکتاتوری و ضد حکومت دینی و برای تحقق آزادی و عدالت است. غلبه بر استبداد دینی و تحقق خواست مردم در این مرحله مستلزم سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار یک جمهوری دموکراتیک بر اساس جدایی دین از دولت است.

اساسی ترین و کلیدی ترین عنصر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ولایت فقیه است. با وجود این قانون اساسی و با اختیاراتی که این قانون به ولی فقیه می دهد، هیچ امکانی برای رفرم و اصلاح در چارچوب رژیم وجود ندارد. آن چه تحت عنوان احیای مواد معوقه قانون اساسی مطرح می شود، در بهترین حالت یک توهم کودکانه است. جریانی که به دنبال تقویت عناصر «جمهوریت» در ساختار نظام ولایت فقیه است، همواره با سد ستبر ولایت مطلقه فقیه که ستون فقرات قدرت سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد مواجه می شود و طی ۳۰ سال گذشته هرگز نتوانسته کوچکترین دستاورد جدی و پایدار در جهت اهداف خود داشته باشد.

۱۱- جنبشها و خیزشهای اجتماعی کنونی، انفجار مطالبات و خواسته های سرکوب شده مردم ایران طی ۳۰ سال گذشته است. انباشت گوناگونی از خواسته ها و مطالبات، علت شرکت گسترده گروههای اجتماعی با نیازهای مختلف در این جنبش است. بر محور

قومی، محفلی، خانوادگی، محله ای و... شعور جمعی این جنبش را شکل داده است.

پیشرفت سیستم اطلاعات و ارتباطات و شبکه اینترنتی نقش تعیین کننده ای در سازماندهی و آگاهی رسانی در جنبش دارد.

۱۳- ما به به مثابه یک جریان سیاسی چپ، جزیی از جنبش آزادیخواهی بیشماران هستیم. ما در تمامی خیزشها و قیامهای زنان و مردان ایران زمین شرکت و مداخله می کنیم.

سیاست تشکیلاتی ما در جهت پیشرفت قیام و همگامی با شبکه های بیشماران است. ما با آشنایی با فورومهای اجتماعی در جنبشهای جهانی و طی سالها کار تشکیلاتی و تبلیغاتی باید تمامی تلاش خود را معطوف به پیشرفت قیام برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی کنیم.

بهترین و موثرترین شکل برای هماهنگی جنبش دموکراتیک مردم ایران ایجاد جبهه همبستگی از نیروهای سیاسی جمهوریخواه است. با این حال در گذار از وضعیت کنونی به موقعیت مناسب می توان از اشکال مناسب دیگر و به ویژه توافقهایی عملی در عرصه مبارزه عملی مردم استفاده کرد. ایجاد هسته های گوناگون، کمیته های عمل، شوراهای هماهنگی و... اشکالی است که می تواند برای

هماهنگی مبارزه کارگران، کارمندان و مزدبگیران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران و معلمان و فعالان سیاسی، اجتماعی موثر باشد.

۱۴- جریان «راه سبز امید» که پلاتفرم آن در بیانیه شماره ۱۱ میر حسین موسوی اعلام شده است، نه کل جنبش را تشکیل می دهد و نه حتی شامل تمامی نیروهای جنبش سبز می شود. خود موسوی و نزدیکترین مشاوران وی گفته اند، و در عمل نیز نشان داده شد که تا آن جایی که به جریان میرحسین موسوی و نیروهای در ائتلاف با او بر می گردد، آنها در پشت مردم حرکت کرده اند و در موارد بسیار مثل ۳۰ خرداد و ۱۸ تیر هیچ نقشی در شکل گیری آن نداشته اند.

**ما به مثابه یک جریان سیاسی چپ، جزیی از جنبش آزادیخواهی بیشماران هستیم. ما در تمامی خیزشها و قیامهای زنان و مردان ایران زمین شرکت و مداخله می کنیم.**

«راه سبز امید» از یک طرف بر خواست احیای مفاد معوقه قانون اساسی تاکید می کند و از طرف دیگر خواستار «ابطال انتخابات» و یا برکناری دولت احمدی نژاد که آن را دولت کودتایی اعلام کرده اند می باشد. ما پس از اعلام نتایج انتخابات قلابی اعلام

فرهنگی، هنری، محلی، محفلی، خانوادگی و... است. جنبش بیشماران گرچه دارای شعور جمعی است، اما از یک ستاد واحد رهبری نمی شود. خرد جمعی و نا نوشته گروههای گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، جنسیتی، مذهبی، جنسی، ملی،

کردیم که: «ابطال انتخابات که آقایان موسوی و کروبی شعار آن را می دهند به تنهایی کافی نیست. با وجود دواوری که امکان رای سازی را ممکن ساخته اند، مانند شورای نگهبان و همچنین کنترل وزارت کشور، اسنادناریها، فرمانداریها و ستاد انتخابات توسط نظامیان و امنیتیها، امکان و ابزارهای تقلب و دستکاری همچنان برای گردانندگان نمایش انتخابات باقی می ماند.

در نبود نظارت نهادها و دستگاههای بی طرف داخلی و بین المللی نتیجه هر انتخاباتی به سود باندهای ذی نفع برای تاثیرگذاری و چرخاندن آرا است.

خواست مردم ایران برگزاری یک انتخابات آزاد، دموکراتیک و عادلانه تحت حاکمیت مردم است. چنین انتخاباتی که همه ی گرایشهای سیاسی و اجتماعی بتوانند در آن به رقابت عادلانه بپردازند، با عبور از این رژیم ارتجاعی و قانون اساسی آن و زیر نظارت نهادهای اجتماعی ایرانی و بین المللی و بدون مداخله نیروهای نظامی و امنیتی امکان پذیر است. این درسی است که مردم بیخاسته ایران با جنبش بر حق خود بر آن مهر تایید می زنند. «بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹»

۱۵- مفاد بیانیه شماره ۱۱ میرحسین موسوی، گرچه به گفته نویسنده آن بر اساس موارد معوقه قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین شده، اما نه در گذشته و نه اکنون که رژیم ولایت فقیه با مهندسی سید علی خامنه ای به یک پایه کردن ولایت دست زده است، قابل تحقق نیست. از این رو تا وقتی میرحسین موسوی و طرفداران وی بر همین موارد که بسیار پایین تر از کف خواسته های نیروهای دموکراتیک و آزادیخواه است، پافشاری و ایستادگی می کنند و تا وقتی که در مقابل جنبش توده ای قرار نگرفته، سازش و آشتی میسر نبوده و تضاد در بالا را تشدید می کند. هدف خامنه ای و گماشته وی چیزی کمتر از تسلیم موسوی و کروبی و طرفداران آنها نیست. جنبش دموکراتیک مردم ایران از موسوی و طرفداران او می خواهد که با تأیید رنگین کمان بودن جنبش آزادیخواهی مردم ایران، بر خواسته ها و به طور مشخص بر خواست ابطال انتخابات و یا کنار گذاشتن دولت احمدی نژاد پایدار بماند.

۱۶- ما بر اساس سیاست همیشگی خود در دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی ضمن محکوم کردن سرکوبی خشن و گسترده خیزش عادلانه مردم ایران که منجر به

بقیه در صفحه ۱۱

## قطعه‌نامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی

بقیه از صفحه ۱۰

شهادت تعدادی از هموطنان ما شده است، ضمن محکوم کردن دستگیری‌های گسترده به شمول دستگیری برخی از اعضای ستاد موسوی و کروبی، محکوم کردن بیدادگاه‌های نمایشی و گرفتن اعتراف اجباری علیه خود و همچنین محکوم کردن سانسور و فیلتر کردن رسانه های اینترنتی، از تلاش زنان و مردان ایران زمین که با ایجاد رسانه های شبکه ای به آگاهی رسانی گسترده دست زده اند و ضمن حمایت از مبارزه دلیرانه خانواده ها و مادران شهیدا و زندانیان سیاسی از سازمانها و نهادهای بین المللی و منجمله از شورای امنیت ملل متحد مصرانه می خواهیم که بر سیاست انفعالی خود پایان داده و به رژیم ایران برای رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی فشار جدی و موثر وارد کنند.

## بخش سوم: پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی اسلامی ابزار تامین هژمونی ولایت فقیه در خاورمیانه

۱۷- قیامها و خیزشهای اجتماعی مردم ایران، جنبشی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صلح طلب، عدالتخواه، کثرتگرا است.

مردم ایران با حرکت گسترده خود می خواهند سرنوشتشان به دست خودشان تعیین شود. هم از این رو مخالف با جنگ و مخالف با هرگونه ترناتیو سازی از جانب قدرتهای بزرگ و نیز مخالف مداخلات و زد و بند علیه منافع ملی خود از جانب قدرتهای جهانی هستند.

نیروهای ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستهای افراطی در ایران به خاطر خاستگاه ارتجاعی و قرون وسطایی خود گرچه با اشگالی از جهانی سازی نئولیبرال مخالفت می کنند، اما همزمان و با شدت و حدت به سرکوب جنبشهای اجتماعی ایران که مخالف جهانی سازی نئولیبرال هستند، می پردازند.

سیاست رژیم ایران در زمینه به دست آوردن سلاح اتمی که آن را تحت عنوان انرژی اتمی لاپوشانی می کند تا کنون ضربات سختی به مردم ایران زده و این سیاست ماجراجویانه کشور و مردم ایران را با رویداد ناگوار و احتمالی جنگ روبرو کرده است. مسئولیت هرگونه فاجعه ای و به ویژه خطر جنگ، در درجه اول به عهده نظام حاکم بر ایران است.

**صلح جهانی در پیوند تنگاتنگ با نفی استبداد مذهبی در ایران قرار دارد. بدین لحاظ ما خواستار فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک بر رژیم ایران از طرف مراجع بین المللی، دولتها، سازمانهای اجتماعی، نهادهای مدافع حقوق بشر و ... بوده و از تحریم رژیم ایران در زمینه های نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و تکنولوژیهای دارای مصارف چندگانه و تحریم اقتصادی (به جز در مواردی که به تهیه آذوقه، دارو و مایحتاج عمومی مردم ربط دارد) حمایت می کنیم.**

یاری خداوند از قطرات پراکنده پیروان اسلام... و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان ... و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخوران خاتمه می دهیم.» (روزنامه کیهان، ۱۰ مرداد ۱۳۶۶) یک سال بعد در روز ۲۹ تیر

۱۳۶۷ خمینی در پیام خود به مناسبت سالگرد بلوای مکه گفت: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین المللی اسلامیمان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخوران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم.»

چند سال پس از مرگ خمینی، محمد جواد لاریجانی، از تئوریسینهای ولایت خامنه ای که در آن زمان معاون وزیر امور خارجه بود، در تشریح این سیاست راهبردی گفت: «امروز حیات سیاسی ما در جهان، به عنوان ام القرای اسلام، در گرو توسعه یافتن است... لیکن ما هیچ گاه نباید در آرزوی محیط دوستانه جهانی باشیم و یا برنامه های توسعه خود را برای اکولوژی مسالمت، طراحی کنیم.» (رسالت شماره های ۲۶ و ۲۷ خرداد ۷۲)

روز شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۵ خبرگزاریهای دولتی سخنان محمود احمدی نژاد در جمع خبرنگاران در نشست فوق العاده سازمان کنفرانس اسلامی را منتشر کردند. وی می گوید: «خاورمیانه جدید حتما محقق خواهد شد، اما بدون رژیم صهیونیستی... رژیم صهیونیستی در حال اضمحلال است و درمان اصلی منطقه حذف رژیم صهیونیستی است.»

ولی فقیه نظام برای این که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نگذارد روز سه شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۵ در دیدار رؤسای سه قوه و تعداد دیگری از مجریان ولایتش گفت: «تشکیل حکومت اسلامی ... علاج همه دردها و رنجهای امروز جهان اسلام است. ... امت اسلامی امروز به تشکیل حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه نیازمند است.» (خبرگزاری فارس)

رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه گفته است: «قلب سیاسی جهان اسلام جمهوری اسلامی ایران است و رهبر معظم انقلاب پرچمدار نهضت بیداری جهان اسلام و ملل مسلمان و نهضت‌های بیداری ملت‌های جهان سوم است.» (ایسنا - ۱۴ شهریور ۱۳۸۵)

بسیاری از نظریه پردازان جمهوری اسلامی و بسیاری از سرکردگان سپاه پاسداران بارها گفته اند که عمق استراتژیک تا غزه و لبنان امتداد دارد. روزنامه رسالت در سرمقاله روز شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۸ می نویسد: «ما تاکتیک

گریز و راهبردگرا هستیم و ... عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران تنها در درون مرزهای جغرافیایی ما نیست.» در مقابل مردم ایران با شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» که در تظاهرات روز قدس به طور وسیع بیان شده، نشاندهنده عمق مخالفت مردم ایران با این سیاست ضد مردمی است.

مهار سیاست اتمی و صدور بنیادگرایی اسلامی مستلزم اتخاذ یک سیاست قاطع از جانب جامعه جهانی در قبال رژیم ایران و همزمان حمایت جهانیان از جنبش آزادیخواهی مردم ایران است. صلح جهانی در پیوند تنگاتنگ با نفی استبداد مذهبی در ایران قرار دارد. بدین لحاظ ما خواستار فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک بر رژیم ایران از طرف مراجع بین المللی، دولتها، سازمانهای اجتماعی، نهادهای مدافع حقوق بشر و ... بوده و از تحریم رژیم ایران در زمینه های نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و تکنولوژیهای دارای مصارف چندگانه و تحریم اقتصادی (به جز در مواردی که به تهیه آذوقه، دارو و مایحتاج عمومی مردم ربط دارد) حمایت می کنیم.

\* این قطعه‌نامه توسط مهدی سامع قبل از برگزاری اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تشکیلات ارایه شد و در نخستین جلسه با تیراتی به اتفاق آرا به تصویب رسید. بقیه در صفحه ۱۲

## قطعنامه پیرامون بحران جهانی سرمایه داری و چالشهای چپ\*

### مصوب ششمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

از اول تا سوم آبان ۱۳۸۸ برابر با ۲۳-۲۴-۲۵ اکتبر ۲۰۰۹

#### ۱- مشخصات و شناسه ها

- سیستم سرمایه داری در گرداب عمیق ترین بحران خود از زمان رکود بزرگ در سالهای ۱۹۳۰ دست و پا می زند. این بحران برآمد مناسبات و مکانیزم تولید ارزش در نظم سرمایه داری است که در فرم "بحران بخش مالی"، تضادهای ساختاری آن را به نمایش گذاشته است.

- با بحران مالی تکان دهنده و گسترش آن به اقتصاد حقیقی، بیش از همه بی منطقی و ظرفیت بحران سازی سرمایه داری خود را در برابر دیدگان همگان آشکار ساخته است. به گفته صندوق بین المللی پول (IMF)، تنها در عرض چند روز ارزشی برابر با بیش از یک هزار میلیارد دلار نابود گردید. بانک توسعه آسیایی میزان ارزش نیست شده در سطح جهان را پنجاه هزار میلیارد دلار برآورد کرده است.

- برخلاف دیگر بحرانهای پیشین عصر نو - لیبرال (مکزیک ۱۹۹۴، آسیا ۱۹۹۷، روسیه ۱۹۹۸، آرژانتین ۲۰۰۱) بحران کنونی نه در کشورهای حاشیه بلکه در قلب سیستم سرمایه داری جهانی، آمریکا، به وقوع پیوسته و در این میان اروپا را هم به کلی در بر گرفته است. این بار مرکز بازارهای مالی نو - لیبرال سرمایه داری آماج قرار گرفته اند.

- بحران بازارهای مالی نو - لیبرال سرمایه داری در مرکز سر باز کرده است و یک علت مرکزی و سیستماتیک دارد. این بحران توسط خودمختاری بخشهای مالی در برابر بخشهای صنعتی و تداخل دادن همه بخشهای اجتماعی در قماربازی مالی بیرون از دایره هرگونه تاثیرگذاری اجتماعی یا دولتی شکل گرفته است.

- برای نخستین بار در تاریخ، یک بحران مالی و اقتصادی جهانی و بحران بحران جهانی زیست محیطی و بحران زیربنایهای حیاتی انسان به یکدیگر گره خورده اند. ایدئولوژی نو-لیبرال در یک چشم برهم زدن در ابعاد جهانی بی اعتبار گردیده و اعتماد به بازار آزاد در همین ابعاد متزلزل شده است.

#### ۲- ریشه ها

- برخلاف تبلیغات گمراه کننده زرادخانه تبلیغاتی بورژوازی، عامل اصلی در هم فرو ریختن ستونهای اقتصاد سرمایه داری خطای انسانی و

آزمندی پراکنده مدیران مووسسات مالی نیست و به همین اعتبار نیز بحران فاجع بار کنونی را نمی توان نقص فنی در سیستم جلوه داد.

- سرمایه مالی به مثابه نوع مستقل شده سرمایه به ویژه در دو دهه اخیر، خود را به جایگاه نیروی محرک و غالب کلیت نظام سرمایه داری بر کشیده است. این فرم مشخص از سرمایه، نه بر تولید کالایی یا تجارت بلکه، بر تولید پول در بازارهای جهانی بورس، وام، بهره که به وجود آورده، مبتنی است. بازار مالی با کنار زدن بازار کلاسیک سرمایه صنعتی، به موتور اصلی نظام تولید ارزش سرمایه داری بدل گشته است. برای درک این جایگاه مرکزی کافی است اشاره شود که ارزش سپرده های مووسسات فعال در بازارهای جهانی، سه برابر بیشتر از ارزش همه کالاها یا خدمات فروخته شده در سراسر جهان است. این تورم سرمایه، منبع رونق و تولید دائمی جابجایی بورسی است که بخش مالی سرمایه داری به وجود می آورد و ناچار است که به وجود آورد.

- چیره شدن این نوع از مناسبات تولید ثروت بر کل اقتصاد سرمایه داری، تحت قانونمندی عام انباشت سرمایه و پروسه ی به همین صورت قانونمند تکامل آن صورت گرفت. سرمایه ای که در نتیجه بهره کشی از نیروی کار و رشد ظرفیت تولید ابزار و کالا جمع و انباشت شده، براساس ذات و پایه فعالیت اقتصادی در نظام سرمایه داری یعنی، کسب سود بیشتر، به طور ناگزیر به سمت توسعه روابط مالکیت سرمایه داری در بخشها و فعالیتهای اقتصادی که هنوز در این مناسبات قرار نگرفتند، به حرکت در می آید.

- فرم سیاسی این حرکت را به ویژه ظهور مدلهای تاجریستی و ریگانیستی اقتصاد سرمایه داری در دهه هشتاد ترجمه می کند. دولتهای بورژوازی و ماشین قانون گذاری آنها در این دهه به گونه عریان در نقش هموار کننده مسیر گسترش سرمایه های انباشت شده به سوی ایجاد بازارهای جدید و به بیان بهتر، منابع نوین کسب سود پدیدار شدند. از ایالات متحده آمریکا تا اروپا و آسیا، دولتهای کشورهای متروپل سرمایه داری، خدمتگزاری به سرمایه مالی برای تجدید ساختار سازمان اقتصادی سرمایه داری در پهنه ملی و بین المللی را در راس وظایف

اصلی خود منظور کردند؛ پروسه ای که در پیشرفته رفته ترین مرحله رشد، فرماسیون نو - لیبرالیسم اقتصادی را از دل خود بیرون داد.

- مهمترین تغییرات ساختاری که از سوی طبقه ممتاز سیاسی کشورهای متروپل سرمایه داری صورت گرفت تا فرایند تبدیل بخش مالی به نیروی محرک اصلی اقتصاد کاپیتالیستی را تسهیل کند و بدین ترتیب دروازه های جهنم کنونی را به روی بخش بزرگی از بشریت بگشاید از قرار زیر است:

(الف) قاعده زدایی و حذف قوانین نظارتی بانکها و برچیدن شرطها و محدودیتهای تشکیل مووسسات مالی جدید. این رشته اقدامات، نخست حوزه فعالیت کلاسیک بانکها (کارپردازی سپرده ها، پرداخت وام و دریافت بهره) را به گونه نامحدود گسترش داد و راه آنها را به بازار بورس، قمارهای ریسک آمیز و سوداگری باز کرد و در مرتبه بعد، امکان شکل گیری مووسسه های مالی جهانی (بانکهای سایه)، صندوقهای سرمایه گذاری خصوصی و کنسرنهای اعتباری را فراهم آورد.

(ب) آزاد سازی نرخ سود و بهره؛ تحولی که در نتیجه آن کنسرنها و مووسسات مالی از قید رعایت هر تناسب (از نظر اقتصادی) منطقی میان میزان سرمایه اصلی با نرخ ریسک و نرخ بهره وری با فعالیت اقتصادی حقیقی معاف شده و خود در جایگاه مرجع و تصمیم گیرنده در این باره نشستند.

(ج) واگذاری تعیین نرخ ارز از دولت و بانکهای مرکزی به بازار و به این ترتیب تسهیل مبادله و تجارت بسته های سهام و اوراق بهادار میان بانکهای خصوصی، شرکتهای بیمه و دوایر ارزی کنسرنهای چند ملیتی. تغییر مکانیزم تصمیم گیری در باره نرخ ارز از اقدام سیاسی به منفعت روز بازار در همین حال با هدف ایجاد یک منبع کلان، به سادگی قابل دسترسی و تضمین شده ی کسب سود برای بخش مالی صورت می گرفت که بر تفاوت مصنوعی نرخ روز ارز استوار شده است. (د) تغییر نقش دولت از نهاد اجتماعی به بنگاه کارگزاری تصمیمها و منافع سرمایه مالی در پهنه های مالیات، بودجه، تنظیم قوانین، کار و دستمزد. آشکار ترین آثار روند لیبرالیسمیون که با شناسه کاهش دخالت دولت و آزادی بازار خود را تعریف می کند، واگذاری مووسسات دولتی و شرکتهای سودآور

بخش عمومی به سرمایه مالی تحت عنوان خصوصی سازی و همینطور رفع مسوولیت از خود دولت نو - لیبرال در ارائه خدمات اجتماعی است. سیاست مزبور، رشد تقسیم ثروت از پایین به بالا و شکل گیری حجم نجومی سرمایه قابل استفاده در بورس و بازار سوداگری اوراق بهادار را توان دوچندان بخشید.

#### ۳- راه حلهای نظام سرمایه داری

- بحران کنونی، شعار استراتژیک سرمایه داری نو - لیبرال مبنی بر خصوصی سازی سود را به یک مولفه غارتگرانه دیگر یعنی، اجتماعی کردن زیان ارتقا داده است. دولتهای بورژوازی آمریکا، اروپایی و آسیایی یک حرکت سراسری را برای نجات نظم نو - لیبرالیستی اقتصاد جهانی سرمایه داری سازمان داده اند که مکانیزم آن به سادگی بر پمپاژ هزاران میلیارد دلار، یورو، ین و جز آن از خزانه همگانی به بانکها شکل گرفته است.

- هدف بی واسطه این سیاست خلاص کردن سرمایه مالی از شر سهام فاسد، اوراق بهادار بی محل، اسناد شرط بندی و ضمانت نامه های بی پشتوانه است. کيفر تهبکاری مالی بازارهای نو - لیبرال به دوش کارورزان جامعه سرمایه داری، اقشار ضعیف اجتماعی و جوامع "کشورهای پیرامونی" گذاشته شده است.

- همزمان با گسترش بحران بخش مالی به سرمایه صنعتی، پیامدهای مشخص سیاست نجات نظام مالی سرمایه داری به گونه روشن تری خود را به نمایش می گذارد. بر اساس یک قاعده کلی، به همان اندازه که بحران گسترده تر و عمیق تر باشد، در همان حجم هم فشار بر پایین و غارت آن گسترده تر و عمیق تر خواهد بود. از این رو، حفره های میلیاردری سرمایه با بیکاری میلیونها نفر در کشورهای سرمایه داری مرکز و سیه روزی بیشتر صدها میلیون تن دیگر در "کشورهای پیرامونی"، افزایش مالیاتهای موجود و وضع مالیتهای جدید، اختراع عوارض تازه، افزایش بهای بخشی از خدمات عمومی و حذف بخش دیگر، کاهش دستمزد و سطح شرایط کار پر می شود.

بقیه در صفحه ۱۳

## قطعه نامه پیرامون بحران جهانی سرمایه داری و چالشهای چپ

بقیه از صفحه ۱۲

### ۴- گرایشها و پروژه های درون سیستم

- بلوکهای کنونی قدرت در نظم سرمایه داری از آمریکا تا اروپا و از چین و ژاپن تا روسیه و هند در پاسخ به بحران جهانی اقتصاد، اثار ویرانگر آن و تنگنانهایی که برای بخش بزرگی از بشریت به وجود آورده است، هیچ راه حلی که منافع اقشار و طبقات پایینی را نیز در بر بگیرد برای ارایه ندارند.

- بلوکهای یاد شده همچنین رهیافت مشترکی برای نجات نظم جهانی سرمایه مالی و دستگاه مرکزی آن (تشکیل شده از وزارتخانه های دارایی و خزانه داری و بانکهای مرکزی دولتی، بانکها، صندوقهای تامین سرمایه گذاری، بانکهای سایه و بنگاه های ارزش گذاری) نیز ندارند. اصلی ترین سیاستها و آمچی که گرایشهای گوناگون این مجموعه گرد آنها شکل گرفته اند و به صورت موازی با یکدیگر حرکت می کنند را می توان در فهرست زیر جا داد:

(الف) چالش بین بنیادگرایی بازار و مداخله گرایی محدود و جدید دولتی  
(ب) مبارزه بر سر قاعده مند سازی بازارهای مالی بین المللی  
(ج) رقابت بین مدل های چند گانه رشد نو - لیبرال انگلوساکسونی (بریتانیا و آمریکا) و تولید صنعتی، صادرات و بازرگانی (اروپا، چین و هند)  
(د) کشاکش بر سر یک پیمان جدید همگانی (New Global Deal)

- با توجه به تضادهای انکارناپذیر و درگیریهایی که تمام این پروژه ها را در بر گرفته اند و با نگاه به گستره بحران حاضر، در کوتاه مدت هیچ راه حل پایداری نمی تواند خود را دیکته کند. قدرت هنوز موجود بازارهای نو - لیبرال مالی سرمایه داری، گزینه های پایه ای را بلوکه می کند. رهیافتهای گوناگون در کنار یکدیگر شکل خواهند گرفت و ترکیبی از عدم تعین و انتقال که شاید یک دهه طول بکشد، به وجود می آید.

- ویژگی مشترک بلوکهای گوناگون نظم جهانی سرمایه داری را دفاع از موقعیت خود به هر قیمت تشکیل می دهد. این امر از یک سو شکل گیری گرایشهای نیرومند اتوریتر در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای متروپل را تقویت می کند و از سوی دیگر به رقابت آنها در سطح

جهانی بر سر کنترل بازارها و ذخایر معدنی شدت می بخشد.

### ۵- تدبیرهای واقعی به جای بیراهه های صوری برای نجات سرمایه مالی

در برابر تلاشهایی که به منظور گذاشتن تام و تمام هزینه های بحران بر دوش اکثریت جامعه صورت می گیرد و در نظر به گسترش تدریجی و منظم بحران به اقتصاد صنعتی و سایر حوزه های کار ییدی و فکری، اقدامهای مشخص زیر پیشنهاد می شود:

(الف) صورت حساب بخت هزاران میلیارد یورو- دلاری در قمارخانه بازار مالی را خود آنها باید پردازند. تغییر سیستم مالیاتی بانکها و بورس و وضع مالیات بر سود و دارایی، ملی کردن موسسات مالی متضرر، شفاف سازی دارایی صندوقهای اعتباری، بانکها، حسابرسی از بهشتهای مالیاتی و دارایی مالکان و مدیران، می تواند بخش آشکار خسارات وارد آمده را جبران کند. (ب) هزاران میلیارد دلار و یورویی که برای نجات سرمایه مالی از محل داراییهای همگانی اختصاص می یابد، صرف سرمایه گذاریهای ضروری اجتماعی در حوزه هایی مانند حمل و نقل عمومی، مراکز بهداشتی، مدارس و دانشگاه ها، مهد کودکیها، گسترش خدمات انرژی رسانی (آب، برق، نفت و گاز) و ... بشود.

(ج) سرمایه گذاری در بخشهای یاد شده، منبع تولید انبوه اشتغال برای میلیونها جویای کار است و می تواند جایگزین واقعی برای جمله پردازیهایی مهم در مورد ایجاد اشتغال باشد که معمولاً در شرایط بحران، مفهوم دیگری جز تقویت و فربه کردن کنسرنهای تسلیحاتی، موسسات فعال در استخراج و فروش مواد معدنی و در نهایت، پیش ساختارهای میلیتاریستی ندارد.

(د) بر سیاست خصوصی سازی خدمات عمومی نقطه پایان گذاشته شود. کلیه بخشهای تامین اجتماعی، موسسات تامین انرژی، سیستم حمل و نقل، خدمات بهداشتی، مسکن و جز آن از سلطه قواعد جنون آمیز بازار بیرون آمده و زیر کنترل دموکراتیک و همگانی قرار بگیرد.

(ه) بانکها و به ویژه آن دسته که فعالیت آنها حوزه های زندگی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد، بدون پرداخت غرامت در یک سیستم بانکی همگانی، ملی بشوند و تحت کنترل دموکراتیک و شفاف قرار بگیرند. برای تضمین باز پرداخت پس اندازهای شهروندان، در اختیار گذاشتن وام و سرمایه گذاریهای ضروری این یک گام اجتناب ناپذیر است.

(و) تغییر جهت گیری موسسات مالی دولتی مانند صندوقهای بیمه و بازنشستگی اجتناب ناپذیر است. سپرده های کارورزان به این موسسات و بهره آن نمی تواند همچنان ژتون قماربازی پر ریسک در کازینوی سرمایه نو - لیبرال مالی باشد. همزمان، ایجاد یک چتر حفاظتی از منابع دولتی برای تضمین سیستم بیمه های درمانی، بازنشستگی، بیکاری، از کارافتادگی و در مجموع استاندارد زندگی اکثریت جامعه لازم و ممکن است.

(ز) به جای برنامه های سطحی و فریبنده زیر عنوان طرحهای مشوق اقتصادی به منظور افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان و رونق بازار در شرایط بحران، باید دستمزد کارورزان متناسب با افزایش هزینه ها و سطح زندگی افزایش یابد. به جای صدقه مدت دار دولتی، باید به طور دایمی ارزش واقعی کار پرداخت شود.

(ح) در مقابل غارت بیشتر و گسترده تر ذخایر معدنی برای جبران خسارات بحران و تخریب عمیق تر محیط زیست، سرمایه گذاری علمی و تحقیقاتی برای تولید انرژیهای تجدید پذیر، اختصاص منابع برای توسعه ی صنعتی و همگانی آنها و پشتیبانی از ابتکارهای اجتماعی در این زمینه باید در دستور کار گذاشته شود.

### ۶- بحران سرمایه داری و مداخله گری سوسیالیستی

- مدل اجتماعی سرمایه داری برای تنظیم مناسبات کار و معیشت یعنی، نو - لیبرالیسم به یک فاجعه بزرگ با آثار بسیار مخرب برای زیست و کار صدها میلیون انسان ختم شده و به همراه آن همه ادعاهای نقد مارکسیستی در باره ی متناقض، بحران زا و ویرانگر بودن مناسبات سرمایه داری را به طور قاطعانه تری به اثبات رسانده است. این حقیقت که تئوریها و انگاشتهای مارکسیستی در حال حاضر نه فقط برای روشنفکران و کارورزان پیشرو بلکه، خود تئوریسینها و تحلیل گران سرمایه داری نخستین منبع پاسخگویی به سوالات مشخص در باره ریشه ها و دلایل بحران به شمار می رود، یک دلیل بیشتر برای اثبات ادعای مزبور است.

- بحران سرمایه مالی و در پی آن سرمایه صنعتی، فقط یک بحران اقتصادی باقی نخواهد ماند. این یک بحران اجتماعی به معنای بحران مشروعیت و اعتماد به نظامی که هدایت زندگی و کار صدها میلیون انسان را در دست دارد و آنها را به فلاکت کشانده هم هست. بی اعتمادی به کارایی و راه حل های این نظام، پرسش پیرامون گزینه به طور عام و راه حل های بدیل به طور خاص را به کانون درگیریهایی طبقاتی انتقال می دهد.

- مسیر مداخله گری سوسیالیستی و طرح گزینه سوسیالیستی به گونه مستقیم با برنامه و راه حل های عملی و چاره جوییهای مشخص کمونیستها برای چیرگی بر بحران کنونی و پیامدهای فلاکت بار آن پیوند خورده است. کمونیستها زمانی می توانند جبهه ی مبارزه طبقاتی اکثریت جامعه علیه نظام سرمایه داری را آرایش دهد که قادر شده باشد به طبقات و اقشار فلاکت زده مسیر روشنی برای خروج از نکتی که سیاستها و تدبیرهای نظم سرمایه داری به آنها تحمیل می کند، نشان دهد. تنها در این شرایط است که کمونیستها قادر خواهند بود کارورزان را پیرامون خواستها و راه حل هایی که آنها را به طور مستقیم به رویارویی با نظم اجتماعی حاکم می کشاند، به میدان بیاورند.

### ۷- وظایف اصلی کمونیستها

سازمان دادن نبردهای طبقاتی و مرتبط ساختن آنها به یکدیگر از طریق: - مبارزه علیه فقر، علیه توزیع ثروت از پایین به بالا، علیه انتقال بخشهای عمومی به خصوصی و دامن زدن به بحث فراگیر در باره آنها از طریق اعتراض، نقد و روشنگری

- پیوند مقاومت در برابر انتقال بار پیامدهای بحران بر دوش کارورزان، اقشار ضعیف اجتماعی و "کشورهای پیرامونی" با ترسیم یک چشم انداز بنا شده بر پایه ارزشهای انسانی و همبسته سوسیالیستی.

- ایجاد ساختارهای قوی و کارا (اتحادیه ها، سندیکاها، جنبشهای اجتماعی، ابتکارات شهروندی و نیروهای سیاست حزبی چپ) که بتوانند این نبرد را پیش ببرند.

- ایجاد فضای همکاری و خود - سازماندهی برای همه نقش آفرینانی که تمایل یا آمادگی افکندن نگاه فعال به چشم انداز غلبه بر سیستم سرمایه داری توسط یک جامعه دموکراتیک - سوسیالیستی را دارند.

- ایستادگی با تمام نیرو در برابر بقا و نوسازی نو- لیبرالیسم که با چهره و روشهای تغییر یافته ظاهر می شود.

- پشتیبانی از اشکال پیشرفته دخالت دولتی، نوسازی سیستمهای خدمات همگانی و بیمه های اجتماعی، تغییر سیاستهای زیست محیطی و توسعه همبسته جهانی

- درهم شکستن ابتکار عمل انحصاری حاکمان و مداخله گری فعال از طریق ارایه راه حلها بدیلها و نمونه های مشخص.

\*این قطعه نامه توسط منصور امان قبل از برگزاری اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تشکیلات ارایه شد و در نخستین جلسه با تیراتی به اتفاق آرا به تصویب رسید.



## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۶

در سال ۱۹۷۲ و اتحاد علیه اتحاد جماهیر شوروی ریخته شده بود. ورود چین به بازار سرمایه داری با آغاز چرخش سرمایه داری جهانی به سمت جهانی سازی و پلاتفرم نیروی کار ارزان مصادف شد. سرمایه های خارجی سیل آسا روانه چین گردید و قتل عام سال ۱۹۸۹ در تیان آن من نشان داد که رژیم چین هر گونه متد سرکوب وحشیانه را در برابر اعتراضات به کار می گیرد.

در واقع آنچه که امروز در شصدمین سالگرد انقلاب خلق چین در پس سخنان پر آب و تاب در باره انقلاب صورت می گیرد، نابودی اصلاحات انقلاب به دست حزب حاکم و قدرت گرفتن بورژوازی چین است که دستاورد آن عمیق تر شدن هر چه بیشتر شکاف بین فقیر و غنی می باشد. اما رژیم چین در حالی که به خوش و بش با سرمایه داری جهانی مشغول است، به شدت مراقب رفتار طبقه کارگر است و از آن وحشت دارد که این طبقه با درس آموزی از انقلاب ۱۹۴۹ ممکن است خواستار پایان عصر مائوئیسم و استالینیسم شده و به سوسیالیسم جهانی رو کند.

در دوران ما، سوسیالیسمی که چین از آن دم می زند و مبارزه ضد امپریالیستی از کانال تلاش برای صلح و دموکراسی می گذرد. نمایش سلاحها و رژیم نظامی صلح را ترویج نمی کند، همانطور که دموکراسی با سرکوب مردم در تیان آن من یا حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که خواستار به دست آوردن سلاح هسته ای است حاصل نمی شود. این امر همچنین با تقویت رژیم سودان که یکی از خریداران مهم سلاحهای تولید چین است و پشتیبانی از آن در خونریزی، قتل، غارت و تجاوز نیز به دست نمی آید.

قابل توجه است که هنگامی که دادگاه لاهه، عمر البشیر، دیکتاتور سودانی را متهم به جنایات جنگی کرد، فقط دو مخالف با این حکم وجود داشت: چین و رژیم جمهوری اسلامی!

مردم، رژیم یکصد هزار نفره را که در آن عکسهای بزرگی از مائو تسه تونگ، بنیانگذار جمهوری دموکراتیک خلق چین و نیز رییس جمهوری کنونی حمل می شد و شعارهای "زنده باد مائو" در میدان بزرگ "تیان آن من" را بر صفحه تلویزیون خانه هایشان مشاهده کردند.

چین سومین قدرت اقتصادی جهان به شمار می رود. صندوق جهانی پول به تازگی رشد اقتصادی چین برای سال آینده را ۵.۸ درصد پیش بینی کرده است.

در آمریکا شصدمین سالگرد انقلاب چین به خاطر پیوستن این کشور به جرگه سرمایه داری جهانی با افکندن نورهای قرمز و زرد (رنگهای انقلاب چین) بر ساختمان امپایر استیت جشن گرفته شد. حتی دو رییس جمهور جمهوریخواه سابق، بوش پدر و بوش پسر تیریکات صمیمانه خود را به پکن فرستادند. وال استریت ژورنال نیز از چین بخاطر نیروی کار ارزان و ریختن پول به بازارهای ارزی آمریکا سپاسگزاری کرد.

اکنون که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط چین و روسیه نیز رونق یافته است دیمتری مدویدیف، رییس جمهوری روسیه به چین در مورد نتایج چشمگیری که به دست آورده، تیریک گفته و خواستار تحکیم موقعیت این کشور در جهان می شود.

رهبران چین سرمایه داری در جشنها و سخنرانیهای خود پیرامون پیشرفتهای اقتصادی این کشور صحبت می کنند. آنها اگر چه دستاوردهای بزرگ انقلاب را لگد مال کرده اند اما به طور مفصل از انقلاب توده ای خلق چین تجلیل می کنند. این امر نشان می دهد که این انقلاب در میان توده های محروم این کشور که همان کارگران و کشاورزان و بیکاران را تشکیل می دهند ریشه دار است.

پروسه پیوستن به سرمایه داری جهانی را دنگ شیائو پینگ در سال ۱۹۷۸ با افزایش وسیع سرمایه گذاری خارجی و بازسازی بازار سرمایه داری آغاز کرد. پایه های این امر در ملاقات مائو با نیکسون

## گزارش بان کی مون، ضربه دیگری بر مشروعیت دولت خامنه ای

### حکم بیدادگاه رژیم در مورد کارگران نیشکر هفت تپه محکوم است

زینت میرهاشمی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه روز شنبه ۲۵ مهر، از تایید حکم حبس در بیدادگاه تجدید نظر استان خوزستان در مورد ۵ نفر از کارگران این شرکت خبر داد. ۵ نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به نامهای علی نجاتی، فریدون نیکفر، قربان علی پور و جلیل احمدی به ۶ ماه حبس تعزیری و ۴ ماه حبس تعلیقی و محمد حیدری پور به ۴ ماه حبس تعزیری و ۸ ماه حبس تعلیقی محکوم شده اند.

رخشان یکی از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، نگرانی خود را در مورد بیکار شدن کارگران محکوم شده ابراز می دارد. وی در مصاحبه ای با رادیو دویچه وله شنبه ۲۵ مهر، می گوید: «ما می دانیم آن چیزی که مد نظر آقایان است اخراج ماست. برای کارگر، حکم اعدام زمانی است که از کار اخراج شود و الان کارگران نگران این مساله هستند و خانواده ها اوضاع خیلی ملتهبی دارند.»

شرکت نیشکر هفت تپه همانند بقیه واحدهای صنعتی قدیمی به دنبال سیاست خصوصی سازی و واردات شکر در چنبره اقتصاد شبه دولتی دچار بحران شده و کارگران و مزدبگیران خود را قربانی کرده است. بیش از دو سال است که کارگران نیشکر هفت تپه برای حقوق خود مبارزه می کنند و تا کنون دستاوردهای گرانبهایی هم داشته اند. تشکیل سندیکای نیشکر هفت تپه از جمله دستاوردهای مبارزه مستمر کارگران و مزدبگیران این شرکت است. زندانی شدن، محکوم شدن به حبس از جمله هزینه هایی است که کارگران این شرکت برای دستیابی به حقوق خود در رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه پرداخته اند.

زندانی کردن کارگران به جرم دفاع از حقوق ابتدایی خود، نشانه هراس حکومتی لرزان از تشکل یابی کارگران برای کسب حقوق تردید ناپذیر است. از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه دفاع می کنیم. همبستگی کارگران برای لغو احکام ظالمانه بیدادگاههای رژیم در مورد کارگران نیشکر هفت تپه، مانع اجرایی شدن اینگونه احکام خواهد شد.

فراسوی خبر ۲۸ مهر ۸۸

منصور امان

گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی این سازمان پیرامون سرکوب و اعمال خشونت گسترده پس از نمایش انتخابات در ایران، ضربه سنگین دیگری به مشروعیت دولت دست نشانده آیت الله خامنه ای در پهنه بین المللی وارد آورده است.

آقای بانکی مون در گزارش ۱۹ صفحه ای خود که روز گذشته (آدینه) انتشار علنی یافت، حکومت ایران را به پایمالی "بنیادی ترین اصول حقوق بشر" متهم کرد و در این رابطه به ویژه بر "خشونت افراطی مأموران دولتی علیه معترضان، کشتار آنان و بازداشت‌های خودسرانه" اشاره کرد.

دبیرکل سازمان ملل با نام بردن از نیروهای شبه نظامی بسیج به عنوان ابزاری که به طور وسیع علیه معترضان به کار گرفته شد، از ندا آقا سلطان، یک نماد جنبش دموکراتیک مردم ایران یاد کرد و متذکر گردید که جمهوری اسلامی همچنان از پیگیری علت و چگونگی قتل وی که "توجه وسیع جامعه جهانی را برانگیخت" خودداری می کند. وی همچنین تلاش شدید حکومت برای جلوگیری از اطلاع رسانی روزنامه ها، وسایل اینترنتی و روزنامه نگاران داخلی و خارجی را یادآور شد.

گزارش به نسبت مفصل و همراه با جزئیات آقای بان کی مون، چالش جدیدی در مسیر کوششهای باند نظامی - امنیتی ولی فقیه برای جا انداختن دولت برگمارده ی خود به عنوان نماینده مشروع مردم ایران و به این صفت، عضو برابر و قابل احترام جامعه بین المللی محسوب می شود. نامه ی اعمال حکومت که توسط دبیر کل ملل متحد در برابر سفیران ۱۹۲ کشور ورق خورده است، جای هیچ تردیدی را پیرامون منابع خونین و تبهکارانه ای که حکومت جمهوری اسلامی به وسیله آنها به خود رسمیت داده است باقی نمی گذارد. این واقعیت به گونه مستقیم یا غیر مستقیم، رابطه یا معامله ی کشورهای دیگر با باند مطرود حاکم بر ایران را تحت تاثیر خود قرار می دهد؛ امری که در همان حال که طرفهای خارجی را در نزدیکی به آن محتاط می سازد همزمان، آمادگی حکومت به پرداخت هزینه یا باج بیشتر از کیسه ی منافع ملی را تقویت می کند.

همانگونه که مقاومت و شجاعت مدنی جامعه ایران مانع بسته شدن پرونده ی دولتمسازای خونین آیت الله خامنه ای و اوپاش تحت امر او گردیده، گزارش آقای بان کی مون نشان می دهد که این ایستادگی در گستره بین المللی نیز از آنان امکان عادی سازی چهره و مناسبات خویش را سلب کرده است.

خواست دبیرکل سازمان ملل مبنی بر اعزام گزارشگران حقوق بشر این نهاد بین المللی به ایران برای بررسی و تحقیق، در این راستا شایسته تاکید و پشتیبانی است.

فراسوی خبر: ۲۵ مهر ۸۸

## شکست یک طرح "آشتی" و آغاز شکست بعدی

منصور امین  
اعلام ورود آیت الله مهدوی کنی، دبیرکل جامعه روحانیت مبارز به میدان کشاکش باندها و گرایشهای حکومتی برای "میانجیگری"، از ژرفش شکاف در هرم قدرت و رسیدن آن به نقطه ی بی بازگشت حکایت می کند.  
دخالل رییس تشکل سنتی راست مذهبی همزمان به مفهوم شکست تلاشهای محرمانه دیگری در همین زمینه است که از سوی لایه دیگری از طیف مزبور صورت می گرفت.  
نخستین بار حجت الاسلام رفسنجانی در مجلس خبرگان، بسیج راست سنتی گرد این موضوع را فاش کرد و در توضیحات بعدی با رد ضمنی ارتباط خود با طرح مزبور، مئیتران آن را "افراد دلسوز در مجمع تشخیص مصلحت" معرفی کرد.

شفافیت غیرمنتظره آقای رفسنجانی فقط یک دلیل می توانست داشته باشد و آن به نتیجه نرسیدن چانه زنی با گروه مزبور - که بی تردید به وکالت از آیت الله خامنه ای با وی به رایزنی نشسته بود - پیرامون آتش بس و شرایط آن است.

این تحول، ماهیت تلاشهایی که زیر تیرت ریاکارانه "آشتی" انجام می شود و در حقیقت نگرانی جناح راست سنتی باند ولایت از حذف خود به وسیله باند نظامی - امنیتی را بازتاب می دهد را روشن تر کرد. هدف آشکار اینان سواری گرفتن از موج بُحرانی است که در حال عبور از روی سر آقای خامنه ای و سواکلهای وی می باشد. تنگنای رقبای در نتیجه قرار گرفتن زیر آتش پیوسته و پُر حجم اعتراضات اجتماعی، برای راست سنتی فرصتی آسمانی به منظور ترمیم جایگاه خود در هیرارشی قدرت و رُبه بندی تقسیم ثروت به شمار می رود.

از مولفانه تا جامعه روحانیت مبارز و از روحانیون حکومتی در قم تا نمایندگان حکومتی در مجلس، همه جا اشتهای استفاده از اعتراضات اجتماعی برای گُر انداختن چُوق "آشتی بُزرگان" تحریک شده است. به حاشیه رانده شده ها راه بازگشت به زیر خیمه سیاست و اقتصاد را کشف کرده اند: از یک طرف استخوان لای زخم باند رقیب شدن به منظور استفاده از موقعیت تضعیف شده آن و از سوی دیگر بُردن سر جُنُبش برای آن با هدف اثبات نفوذ و نقش چشم پوشی ناپذیر خویش در حفظ منافع مشترک!

همانگونه که طرح نیمه کاره مانده "افراد دلسوز" اثبات کرد، از این ریسمان سوده فقط می شود افتاد. بنابراین آقای مهدوی کنی هم با آن از جایی یا چیزی نمی تواند بالا برود. جدال اصلی در جامعه بین حکومت در مجموع و جامعه با همه ی تنوع آن، فضایی برای مانور نیروی سومی باقی نگذاشته است.

فراسوی خبر ۱۹ مهر

بازداشتگاههای مختلف به ویژه کههریزک انجام داده اند که تشت رسوایی آن از بام فلک به زیر افتاد، اکنون قوه قضائیه رژیم آدمکشان بجای تحت تعقیب قرار دادن کسانی که به سوی مردم شلیک کرده و عده بسیاری از جوانان آنان را به خاک و خون کشیده اند و یا آنانی که در بازداشتگاهها با دست باز هر آنچه می توانستند با جوانان این مرز و بوم انجام داده اند، "آنها را شکنجه کردند، تحت تجاوزهای جنسی قرار دادند و یا آفندر کتک زدند که در حضور دیگر زندانیان به قتل رسیدند و ..."

اکنون تصمیم گرفته است تا عده ای از بازداشت شدگان را به چوبه اعدام بسپارد تا با این شیوه از مردم بیبا خاسته زهر چشم بگیرد و آنانرا به خانه براند. از قبل مشخص است که اینگونه ددمشی ها هیچ گونه تاثیری در روحیه مردمی که عزم خود را برای برچیدن بساط عده ای آدمکش، متجاوز، دزد و جانی جزم کرده اند، ندارد. رژیم نکبت بار ولی فقیه هرچه به طول عمرش اضافه می شود بیشتر خود را در کثافت و بی شرمی غرق میکند. باید با برگزاری اعتراضات یکپارچه بر علیه احکام اعدام و وادار کردن آدمکشان رژیم به آزادی همه دستگیرشدگان، بساط دار و شکنجه رژیم ولی فقیه را بر سرش خراب کرد. تنها قدرت مردم با همبستگی همگانی اقرار مختلف در اعتراض به اینگونه اعمال می تواند جلوی بی شرمی های بیشتر نظام تا استخوان فساد ولی فقیه را بگیرد.

فراسوی خبر ۲۱ مهر ۸۸  
رژیم ددمش جمهوری اسلامی درمانده و ناتوان در مقابل امواج خروشان اعتراضات مردم، برای برون رفت از وضعیت گرفتار شده دست به هر عملی می زند. در آخرین پرده نمایش تهوع آور عدالت به شیوه تبهکاران، دستگاه قضایی رژیم چهار نفر از دستگیر شدگان حوادث اخیر را به اعدام محکوم کرد. هرچند طبق خبرهای منتشر شده بعضی از این افراد قبل از کودتای انتخاباتی دستگیر شده اند، اما آدمکشان بی شرم رژیم آنها را در لابلای افراد دستگیر شده در دادگاههای نمایشی خود محاکمه و به اعدام محکوم نمودند. روزنامه اعتماد در شماره روز دوشنبه می نویسد: "نشست سه ساعته کمیته ویژه مجلس و نمایندگان صادق لاریجانی، عزم دستگاه قضایی برای اعدام چهار تن از متهمان ناآرامی های پس از انتخابات را جدی تر کرد."  
اینکه اعضا کمیته ویژه مجلس برای پیگیری وضعیت دستگیرشدگان با نمایندگان صادق لاریجانی چه گفته و چه شنیده اند را کسی نمی داند. اما تاکید قوه قضائیه بر اعدام ۴ نفر از دستگیرشدگان پس از جلسه نمایانگر چگونگی پیگیری اینگونه کمیته هاست. همین روزنامه از قول "ستاره هدایت خواه" عضو فراکسیون انقلاب - حامیان احمدی نژاد می نویسد: "با اعدام برخی از متهمان اخیر است که می توان ایجاد امنیت برای مردم در کشور را تضمین کرد."  
به نظر می رسد در پی افشاگریهای گسترده به آنچه عمال رژیم در

## آزادی ۳۶ گروگان مجاهد خلق یک پیروزی بزرگ برای جنبش مقاومت



جعفر پویه

امروز چهارشنبه ۱۵ مهر ۳۶ تن از مجاهدان ساکن شهر اشرف که ۷۲ روز پیش با توطئه ایادی خامنه ای، طی یک تهاجم وحشیانه به شهر اشرف به گروگان گرفته شدند و طی این مدت در اعتصاب غذا بودند، سرفرازانه آزاد و به شهر اشرف بازگشتند. همزمان با اعتصاب غذای گروگانها صدها نفر در شهر اشرف و در ۶ شهر بزرگ جهان دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند.

در حالی که روز ۵ مهر دادگاه عراق برای سومین بار حکم به آزادی گروگانها داده بود، دولت عراق با بهانه های واهی از آزادی آنان خودداری کرد و طی یک اقدام غیر قانونی در روز پنجشنبه ۹ مهر آنان را از زندان شهر خالص به یک زندان مربوط به نخست وزیری در بغداد منتقل کرد. مجاهدان زندانی بلافاصله پس از این انتقال غیر قانونی و ضد انسانی اعتصاب غذای خود را به اعتصاب خشک تبدیل کردند و بسیاری از آنان در سه شبه شب در آستانه شهادت بودند.

سرانجام امروز به علت مقاومت و پایداری دلیرانه مجاهدان که گروگان گرفته شده، اعتصاب غذای صدها ایرانی در شهر اشرف و ۶ شهر دیگر جهان، تحصن و تظاهرات هزاران ایرانی طی ۷۲ روز گذشته، تلاش بین المللی و منطقه ای و به ویژه تلاش نیروهای دمکراتیک و ملی عراق و... برای آزادی مجاهدان زندانی جهانی، دولت عراق تن به آزادی گروگانها داد.

پایداری و مقاومت ستایش برانگیز ۳۶ مجاهد به گروگان گرفته شده طی ۷۲ روز که سرانجام به آزادی آنان و بازگشتشان به اشرف شد یک پیروزی بزرگ و حماسی برای جنبش مقاومت و برای زنان و مردان مجاهد در شهر اشرف است.

ولایت ددمش خامنه ای فکر می کرد به راحتی می تواند به دست ایادی خود در عراق مقاومت گروگانها را در هم شکسته و این بار صحنه بیدادگاههای مشتمزکننده در تهران را در عراق تکرار کند. اما مقاومت دلیرانه مجاهدان به گروگان گرفته شده، و استقلال دادگاههای شهر خالص و نیز حمایت بی نظیر جهانی از گروگانها این توطئه ارتجاعی را خنثی کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آزادی ۳۶ مجاهد خلق را به سازمان مجاهدین خلق ایران و به همه زنان و مردان آزادیخواه ایران و به ویژه به کسانی که در این پیکار پرشکوه شرکت داشتند و به تمامی نیروها و شخصیتهای سیاسی ایرانی و غیر ایرانی که حمله وحشیانه به شهر اشرف را محکوم کردند و طی ۷۲ روز گذشته از خواست بر حق ساکنان شهر اشرف مبنی بر تامین و تضمین حقوق انسانیشان حمایت کردند، تبریک و شادباش می گوید.

ما به جد خواستار تامین و تضمین امنیت مجاهدان شهر اشرف و رعایت حقوق انسانی و به ویژه تضمین عدم جا به جایی اجباری آنان، هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ (۷ اکتبر ۲۰۰۹)

## عدو شود سبب خیر

مهدی سامع

انتشار کتاب «چریک‌های فدایی خلق از نخستین کنشها تا بهمن ۱۳۵۷ (جلد اول)» توسط موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی که یک نهاد امنیتی در جمهوری اسلامی و زیر نظر مستقیم بیت ولی فقیه اداره می شود با واکنش گسترده از طرف جریانها و فعالان سیاسی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با جنبش پیشتار فدایی طی سالهای قبل از انقلاب بهمین آشنایی و یا ارتباط داشتند روبرو شد.

نویسنده کتاب از طرف این موسسه امنیتی، محمود نادری معرفی شده است.

محمود نادری در پاسخ به افشاگریهایی که پیرامون این کتاب منتشر شده جوایبه ای تحت عنوان «خیال‌اندیشی و رد حقیقت» منتشر کرده که در تاریخ اول مهر ۱۳۸۸ در سایت تابناک و با فاصله چند روز در سایت موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی انتشار یافت. در جا به جای جوایبه آقای نادری این نکته بسیار مشهود است که او و موسسه امنیتی ناشر کتاب از افشاگریهایی بسیار ناامید و از این که تیرشان به سنگ خورده برآشفته شده اند.

با فاجعه کهریزک و نمایشهای مفتضحانه در بیدادگاههای اخیر، دیگر این گونه تاریخ نگاریها و گفتمانسازیهایی چندان نادری ندارد. اما از آن جا که ارتجاع حاکم بر ایران و نهادهای امنیتی آن در تلاش برای «احمدی نژادی» کردن جهان هستند، باید دستگاه دروغ بافی آنها همچون اطاق جادویی «تجمیع آرا» به کار خود ادامه دهد تا اگر آبی برای مردم تهیه نمی شود نانی به دست عمده و اگره ولی فقیه برسد.

دقت و بر اساس بعضی از نکات واقعی، نکته های مورد نظر گنجانده شود. اما در این سند سازیهایی بالاخره دم خروس از جایی بیرون می زند و تولید کنندگان سند را رسوا می سازد.

اکنون در جوایبه محمود نادری مشاهده می شود که او برای تحریف به سود اهداف نهادهای گفتمانسازی ولایت خامنه ای، در نوشته من در نشریه آرش نیز یک تحریف ظریف و در عین حال ردیالانه انجام داده تا برداشت مورد نظر خود را به خواننده القا کند.

من در مقاله «حماسه سیاهکل کابوسی برای ارتجاع» نوشته ام: «هدف این جعل در بازجویی این است که گویا من که در روز ۲۳ آذر ۱۳۴۹ پس از سه ماه آزادی از زندان دوباره دستگیر شدم در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۴۹ نام حمید اشرف را برای بازجویان افشا کرده ام.» هر کسی که فقط تصدیق ابتدایی داشته باشد از این جمله نتیجه نمی گیرد که من با آوردن کلمه «گویا» می خواسته ام در مورد تاریخ دستگیری ام ایجاد تردید کنم. کلمه گویا به موضوع افشای نام رفیق شهید حمید اشرف بر می گردد که من منکر آن در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۴۹ هستم. اما آقای نادری وقتی برای بار دوم جمله من را نقل می کند بی شرمانه یک «که» از جمله را حذف کرده و چنین می

یک متن و به فاصله چند سطر یک نقل قول را به دو شکل ذکر کند. محمود نادری یک بار این بخش از جمله را به صورت «که گویا من که» نقل می کند و برای بار دوم به صورت «که گویا من» و با حذف «که» دوم نتیجه می گیرد که من «یک رندی کوچک دیگری نیز مرتکب شده» ام تا «بذر شبهه» ایجاد کنم تا «بعدها محصول خود را درو» کنم.

بدیهی است که هیچکس از جمله من تردید در مورد تاریخ دستگیری برداشت نمی کند. اما اگر یک «که» ناقابل، نه رندانه، که ردیالانه از جمله حذف شود، در مورد یک واقعیت غیرقابل انکار، محمود نادری بذر شبهه می کارد تا دروغ درو کند.

وقتی «سربازان گمنام امام زمان» در نوشته ای که از انتشار آن چند ماه می گذرد و این نوشته در دسترس همگان هست، چنین تقلب و جعل به منظور تحریف واقعیت می کنند، پر واضح است در اسنادی که در انحصار خودشان است دست به هرگونه تحریف و جعل خواهند زد. هدف من در مقاله «حماسه سیاهکل کابوسی برای ارتجاع» اثبات همین امر بود که خوشبختانه عدو سبب خیر شد و جوایبه محمود نادری ادعای من را ثابت کرد.

به دو نکته دیگر هم به شکل کوتاه می پردازم:

آقای نادری در جوایبه خود با استناد به کتاب می نویسد: «همان گونه که در کتاب ملاحظه کردیم حمید اشرف در سال تحصیلی ۴۹ در دانشکده ثبت نام کرد.» چنین تاریخی درست

**با فاجعه کهریزک و نمایشهای مفتضحانه در بیدادگاههای اخیر، دیگر این گونه تاریخ نگاریها و گفتمانسازیهایی اهمیت چندانی ندارد. اما از آن جا که ارتجاع حاکم بر ایران و نهادهای امنیتی آن در تلاش برای «احمدی نژادی» کردن جهان هستند، باید دستگاه دروغ بافی آنها همچون اطاق جادویی «تجمیع آرا» به کار خود ادامه دهد تا اگر آبی برای مردم تهیه نمی شود نانی به دست عمده و اگره ولی فقیه برسد.**

نویسد: «آقای سامع همچنین یک رندی کوچک دیگری نیز مرتکب شده است. ایشان می نویسد: "هدف این جعل در بازجویی این است که گویا من در روز ۲۳ آذر ۱۳۴۹ پس از سه ماه آزادی از زندان دوباره دستگیر شدم...". ایشان در ۲۳ آذر «گویا» دستگیر نشدند بلکه حتما دستگیر شدند! آقای سامع اکنون بذر شبهه می کاردند تا بعداً محصول خود را درو کنند».

می گویند دروغگو کم حافظه است. اما من تا کنون ندیده ام که کسی در

مطرح شود بازجویان از بازجوشونده نام حقیقی را سوال می کنند. بدیهی است که اگر من در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۴۹ نام واقعی رفیق حمید اشرف را گفته بودم، بازجویان اطلاعات بیشتر و منجمله نام تشکیلاتی وی که عباس بود را از من سوال می کردند. محمود نادری که خود در مکتب جلالان آموزش دیده بهتر از هر کس به این موضوع آگاهی دارد.

اما او مامور به وظیفه است و باید تاثیر افشاگریهایی در مورد اهداف ارتجاعی نهادهای امنیتی ولایت خامنه ای در مورد انتشار کتاب «چریک‌های فدایی خلق...» را کم رنگ کند.

در پایان برای من کینه و قیحانه محمود نادری به رفیق فاطمه سعیدی (رفیق مادر) جای سوال بسیار دارد. به نظر می رسد در شرایط کنونی که خانواده ها و به ویژه مادران دلیر شهدا و زندانیان سیاسی هر روزه در سنگر آزادی به پیکار می پردازند، مخدوش کردن سیمای این مادر دلیر وظیفه ای در جهت مهار مقاومت مادران و خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی از جمله به عهده محمود نادری گذاشته شده است. اما تردید نباید کرد که این نیرنگ نهادهای امنیتی ولایت خامنه ای نیز بی اثر خواهد بود.

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۸ (۴ اکتبر ۲۰۰۹)

منبع: سایت اخبار روز در آدرس:

<http://www.iran-chabar.de/article.jsp?essayId=24310>

\* این مطلب در شماره ۲۴ «فصل نامه مطالعات تاریخی» وابسته به موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ویژه بهار ۱۳۸۸ منتشر شده که در آدرس زیر می توان آن را مطالعه کرد.

<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=390&SP=Farsi>

پس از انتشار:

در بیست و یکمین شماره فصل نامه مطالعات تاریخی ویژه تابستان ۱۳۸۷ که از سوی موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی منتشر شده مقاله به عنوان «نگاهی به کتاب سازمان چریک‌های فدایی خلق» به چاپ رسیده است. در این مقاله نوشته شده که محمود نادری نویسنده کتاب، در تدارک جلد دوم نیز هست تا سرانجام این گروه را پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازتابی کند.

نیست. رفیق حمید چند سال قبل از این تاریخ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شده بود. خود این اشتباه نشان می دهد که نویسنده و یا نویسندگان وزارت اطلاعات بر اساس هدف خود به هر شکلی که صلاح می دانند جعل انجام می دهند.

نکته دوم، همه کسانی که در ارتباط با گروههای مخفی دستگیر شده اند می دانند که هرگاه در یک پرونده نام واقعی کسی مطرح شود، سوال اول بازجویان در مورد نام تشکیلاتی وی می باشد. و اگر نام مستعار کسی



## اجلاس میان دوره ای شورای ملی مقاومت ایران

### دستگیری فله ای و آزادی

### اعضا تشکل صنفی معلمان

### نشانه ترس رژیم از آنهاست

جعفر پویه

یک روز پس از بازداشت فله ای اعضا کانون صنفی معلمان توسط وزارت بدنام اطلاعات، دستگیر شدگان آزاد شدند. این درحالی است که در روزهای گذشته کلیه اعضا یکی از تشکلات دانشجویی نیز یکجا دستگیر شده و پس از یکروز بدون هیچ توضیحی آزاد شده بودند. رژیم ددمنش ولی فقیه از تشکلات و سازمانهای اصناف و یا اقشار اجتماعی آنچنان ترس و وحشتی دارد که به محض اطلاع از گردهمایی اعضا چنین نهادهایی اقدام به دستگیری آنان می کند.

اعضا تشکل صنفی معلمان که به مناسبت روز معلم در منزل دبیرکل آن گردهم آمده بودند تا هم این روز را گرامی بدارند و هم درباره مطالبات صنفی خود رای زنی کنند توسط اوباش اطلاعاتی دستگیر شدند. ماموران و مواجب بگیران وزارت اطلاعات بدون ارائه هیچگونه حکمی به داخل منزل آقای علی اکبر باغانی دبیرکل کانون که میهماندار همکاران خود بود ریخته و با ایجاد مزاحمت برای خانواده او نه تنها همه میهمانان را دستگیر کرده بلکه بخشی از وسایل منزل را نیز به عنوان ابزار ارتکاب جرم مصادره و با خود می برند.

کانون صنفی معلمان ایران که یکی از زحمتکش ترین اقشار مزدبگیر را تحت پوشش دارد، حتا اجازه ندارد تا جلسات خود را در منازل شخصی اعضا خود برگزار کند. این ترس و وحشت رژیم از گردهم آمدن اعضا تشکلات صنفی و اجتماعی و جلوگیری از برگزاری تجمع آنها از یک طرف نشان از درجه اهمیت این جلسات برای تصمیم گیری به اقدام عملی دارد و از سوی دیگر نمایانگر وحشت رژیم از تصمیم گیری و اقدام عملی تشکلات صنفی و اجتماعی است. برخورداری اقشار متفاوت اجتماعی از تشکلات صنفی و سیاسی حق مسلم و بی قید شرط آنان است. حتی که رژیم ولی فقیه آنرا به رسمیت نمی شناسد و سعی می کند تا با برهم زدن اینگونه تشکلات جامعه را همچنان به صورت گله وار نگه داشته تا بتواند براحتی آنان را سرکوب کند.

برخورداری اقشار و اصناف متفاوت از تشکلات می تواند آنان را برای رسیدن به حقوق حقه خود بطور همبسته به میدان آورد. این آن چیزی است که رژیم ولایت فقیه از آن وحشت دارد و سعی میکند تا به شیوه های متفاوت جلو آنرا بگیرد. دستگیری فله ای اعضا تشکلات صنفی معلمان دلیلی بجز این نمی تواند داشته باشد. اما آزادی بلافاصله آنان نیز نشان ترس رژیم از اعتراض یکپارچه فرهنگیان کشور برعلیه ددمنشی های اوست. رژیم از هر طرف که می پیچد و دست به هر عملی سرکوبگرانه ای که می زند با مقاومت مردم روبرو می شود، به همین دلیل ترس و وحشت او از مردم عاصی و به جان آمده اجازه بدست گرفتن ابتکار عمل را از او سلب کرده است.

فراسوی خبر: ۱۶ مهر ۸۸

کردن خیزشهای ضدحکومتی شکست خورده است.

اجلاس شورا بار دیگر بر موضع ثابت مقاومت ایران درخصوص بیهودگی مذاکرات اتمی با دیکتاتوری آخوندها تأکید و تکرار کرد اگر این رژیم عقبنشینی کند و از تلاش برای رسیدن به بمب اتمی دستبردارد، اولین برنده آن مردم و مقاومت ایران هستند، اما موجودیت رژیم ولایتفقیه با ادامه سیاست اعلان جنگ به جامعه جهانی و صدور تروریسم و دستیابی به بمب اتمی پیوند خورده است و حکومت آخوندها هدفی جز زمان خریدن برای ادامه همین سیاست ندارد. رسوایی سیاست وقت کشی رژیم در این روزها، همراه با موج جهانی محکومیت اعدامهای وحشیانه به ویژه اعدام نوجوانان در ایران، که با روز جهانی علیه اعدام همزمان شده بود، حاکی از تشدید انزوای جهانی رژیم است. در بنسبت این سیاستهای ضدانسانی و ضدایرانی و در مقابل قیام خاموشی نا پذیر مردم ایران، دیکتاتوری خامنه‌ای و گماشته‌هایش احمدی‌نژاد، فرجامی جز سقوط ندارد و بر دنیاست که به جای سیاست شکست خورده ماشاات، اراده ملت و مقاومت ایران را برای آزادی و برقراری حاکمیت مردم به رسمیت بشناسد.

در پایان خانم رجوی از همه اعضا و یاران و پشتیبانان مقاومت که در این کارزار بزرگ شرکت داشتند و این پیروزی بزرگ را برای ملت ایران محقق کردند، بار دیگر تشکر کرد و گفت: پایبندی گروهانها و مجاهدان اشرف بهعنوان عامل مینایی و کارزار گسترده بینالمللی بهعنوان یک شرط مبرم و ضروری، پیروزی ظاهراً ناممکن را محقق کرد. رژیم رژیم آخوندها بر آن بود تا اشرف را از میان بردارد، اما چنانکه اعضای شورا خاطرنشان کردند آن را در کانون و قلب قیام جای داد. این نشان می‌دهد که ما مراحل بعدی این راه را هم تا نیل به آزادی و حاکمیت مردم ایران با حمایت هموطنانمان و تلاشهای یکایک اعضای مقاومت، پیروزمندانه طی خواهیم کرد.

۷۲روز تحصن و اعتصاب غذا و کارزار سیاسی در اشرف و در زندان و در قریب به ۴۰ کشور و بهخصوص اعتصاب غذای خشک ۳۶ اسیر، اراده رژیم و عواملش در عراق را در هم شکست و سرانجام گروهانها آزاد شدند. در این ۷۲روز از سازمان ملل و شاخه‌های مختلف آن، از آمریکا و کانادا تا تمام کشورهای اروپایی، از استرالیا و ژاپن تا کشورهای عربی، از سازمانهای حقوق بشری تا مطبوعات مختلف دنیا، هیچ دری نشده که توسط این مقاومت زده نشده باشد. به‌نحوی که مساله اشرف و بهخصوص مساله آزاد سازی ۳۶ گروهان به یک مساله مبرم بینالمللی تبدیل شد.

اجلاس میان دوره‌یی شورا از پایبندی قهرمانانه اشرف در برابر یورش وحشیانه مزدوران خامنه‌ای و از کارزار جهانی در اعتراض به جنایت علیه بشریت، همراه با اعتصاب غذا و تحصن و تظاهرات خانوادها و بستگان مجاهدان اشرف و جوامع ایرانی در کشورهای مختلف جهان، تجلیل کرد و درهم شکستن توطئه خامنه‌ای برای نابودی اشرف را که یک بخش اساسی از نقشه ولی فقیه رژیم برای مقابله با قیام جاری مردم ایران بود، به رزمندگان اشرف و به هموطنانمان در داخل و خارج کشور، به ویژه هموطنانی که در این کارزار شکوهمند به اشکال گوناگون مشارکت داشتند، تبریک گفت.

اعضای شورا طی سخنانی آزادی گروهانها و حماسه پایبندی پاکبازانه ۳۶ مجاهد قهرمان و تمامی رزمندگان شهر اشرف را ستودند و تأکید کردند که گره خوردن این مقاومت ۷۲روزه با قیام و خیزشهای مردمی، به ویژه خیزش عظیم «روزقدس» و تظاهرات دانشجویی در آغاز سال تحصیلی با شعار «مرگ بردیکتاتور»، دنیا را تکان داد و بنیاد استبداد دینی را لرزاند. سیر تحولات ثابت کرد که در ایران مقاومت و قیام برای آزادی در ایران سر باز ایستادن ندارد و اشرف، هم در حیللهای سیاسی برای مهار کردن بحران و ترمیم شقه در حاکمیت، و هم در طرحهای سرکوبگرانه برای متوقف

اجلاس میان دوره‌یی شورای ملی مقاومت روز بیستم مهر ۱۳۸۸، پنج روز پس از آزادی ۳۶گروهان مجاهد خلق و بازگشت آنها به اشرف، با حضور خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا برگزار شد.

پس از اجرای جمعی سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» سرود رسمی شورای ملی مقاومت، خانم رجوی یاد شهیدان اشرف را گرامی داشت و بازگشت ۳۶ اسیر قهرمان راه، که بعد از ۷۲روز رنج و مرارت و تحمل سختترین شرایط به اشرف بازگشته‌اند، به اعضای شورا و کلیه پشتیبانان مقاومت، به مجاهدین و مردم ایران تبریک گفت.

خانم رجوی یادآور شد که دو تن از گروهانهای آزاد شده، مجاهدان خلق علیرضا محمد زاده و جواد گوگردی، از اعضای شورای ملی مقاومت هستند. او گفت بهای سنگینی که یکایک اسیران پرداختند نیاز به توصیف ندارد، تصاویر آنها روزی که به اشرف بازگشتند گویای همه چیز است و حتماً شنیده‌اید که پزشکان بعد از معاینه آنها گفتند که اگر ۲۴ساعت دیرتر رسیده بودند دست کم ۱۲ نفر آنها جان خود را از دست می‌دادند. آنها تبلور اراده یک ملت به‌پاخاسته و یک مقاومت ریشه‌دار هستند که برای سرنگون کردن رژیم آخوندی و استقرار دموکراسی و حاکمیت مردم عزم جزم کرده‌اند.

خانم رجوی افزود: خامنه‌ای که بحران را در درون رژیم با تمام وجود احساس می‌کرد و می‌دید که نمی‌تواند قیام را مهار کند، اراده کرده بود که برای غلبه بر قیام، اشرف را نابود کند. از همین رو تمام ایادی و مزدوران و امکاناتش را در عراق به این منظور بهکار گرفت و حداکثر فشار را به دولت عراق وارد کرد تا قولی را که به او داده بود عملی و کار اشرف را یکسره کند... بدین ترتیب می‌توان گفت آنچه مقاومت از زمان حمله به اشرف تاکنون به‌دست آورده است، در ابتدا ناممکن نظر می‌رسید. آنچه این مقاومت و اعضا و هواداران و پشتیبانانش با کوشش و تلاش خود، به‌رغم همه مشکلات و موانع و دشمنی ها، محقق کردند. بهترین گواه است که ما می‌توانیم بقیه مسیر را هم پیروزمندانه با اتکاء به خود تبیینیم.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران  
۲۱مهر ۱۳۸۸ (۱۳اکتبر ۲۰۰۹)

## سفارت رژیم در برلین یک مرکز وزارت اطلاعات است

شورای ملی مقاومت ایران، گزارش تکانه‌دهنده برنامه تلویزیونی پانوراما در مورد جاسوسی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی در خاک آلمان به منظور ارباب و سرکوب افراد اپوزیسیون ایران را قویا هشداردهنده تلقی کرده و دولت آلمان را به متوقف کردن فعالیتهای وزارت اطلاعات در این کشور و اخراج مأموران آن فرا می‌خواند.

مافیای ترور و جاسوسی رژیم ایران در آلمان دارای یک شبکه گسترده و فعال از جاسوسان تحت پوشش دیپلمات و یا در قالب شرکتها و انجمنهای پوششی می‌باشد. بخشهایی از این شبکه در گذشته توسط شورای ملی مقاومت افشا شده و در اختیار مراجع ذیربط قرار گرفته‌اند.

در ماههای گذشته دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران و شمار زیادی از اعضا و هواداران مقاومت در آلمان هدف مستقیم فعالیتهای جاسوسی وزارت اطلاعات قرار گرفته‌اند. اعضای خانواده حداقل چهار تن از کسانی که در یک اعتصاب غذا در دو ماه گذشته در مقابل وزارت خارجه آلمان شرکت داشتند، در ایران مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته یا بازداشت شده‌اند. مأموران اطلاعات بارها نزدیکی تظاهرات هواداران مقاومت در برلین، کلن، هامبورگ و فرانکفورت به تهیه فیلم و عکس و شناسایی شرکت کنندگان پرداخته‌اند. این مأموران برای این منظور بارها از خودروی نمره دیپلماتیک استفاده کرده‌اند. مقامات در جریان تمامی این موارد قرار گرفته‌اند.

انجمنهایی مانند آوا، مأموریت‌های محوله از سوی وزارت اطلاعات را تحت عنوان «انجمن فرهنگی» پیش می‌برند. گرداننده این انجمن سال گذشته به‌خاطر ظن به جاسوسی، پنج هفته در عراق در بازداشت به‌سر برد (اشپیگل - ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۸).

گزارش سالانه اداره فدرال حراست از قانون اساسی آلمان تصریح کرده بود: «هدف مقدم

## خطرهای با و بی واسطه ای که مردم سیستان و بلوچستان را تهدید می‌کند

منصور امان تصویر واژگونه ای که جمهوری اسلامی از کشته شدن شماری از سرکردگان سپاه پاسداران در نزدیکی مرزهای پاکستان ارایه می‌دهد، در عمل مفهوم دیگر جز پافشاری بر سیاست سرکوب قومی و مذهبی در سیستان و بلوچستان و دیگر استانهایی با ترکیب جمعیتی و دینی مشابه ندارد.

پایوران گوناگون حکومت بی درنگ پس از حمله انتحاری به مقامهای ارشد نظامی، آن را توطئه ای "علیه وحدت شیعه و سنی" معرفی کردند و نشست مزبور که استاندار سیستان و بلوچستان آن را "همایش هم اندیشی سران طوایف و معتمدین شهرستان سرباز" نامیده است را نمادی از آن معرفی کردند. این در حالی است که منابع حکومتی پیرامون "همایش مزبور و علت گردآمدن همزمان بالاترین مقامهای نظامی در این استان اطلاعات ناهمگونی ارایه کرده اند.

آقای حسین سبحانی نیا، نایب رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس توضیح داده است: "شوشتری، فرمانده سپاه استان به دنبال هماهنگی بیشتر با عشایر و سران به منظور جلوگیری از نفوذ اشراق در منطقه بوده است."

از سوی دیگر آقای لاریجانی، رییس مجلس مآلها با اشاره به تشکیل "شورای توسعه شرق کشور"، می‌افزاید: "ایجاد آرامش و امنیت در استان سیستان و بلوچستان از جمله اهداف این شورا بود."

نماینده حکومت در مجلس از زاهدان اما توضیحات دیگری دارد. آقای حسینعلی شهریاری می‌گوید: "شهیدان شوشتری و محمد زاده تصمیم گرفته بودند با کار فرهنگی و برادری با ریش سفیدان و بزرگان قبایل در بین مردم حضور یابند و نقشه های استخبار جهانی را خنثی کنند."

آنگونه که از مجموع این سخنان متناقض برمی آید، نشست مزبور بخشی از طرح تسلیح و به خدمت گرفتن عناصر محلی برای استفاده از آنها علیه بخشهای دیگر جامعه سیستان و بلوچستان بوده است. رژیم طرح مشابهی را نیز در کردستان ابتدا زیر نام "پیشمرگان کرد مسلمان" و اکنون در سطح وسیع تر برای شکاف انداختن بین اقشار جامعه کرد و بسیج آنها علیه یکدیگر در دستور کار گذاشته است.

در همین رابطه آقای حسینعلی شهریاری به گونه ناخواسته واکنشی که این اقدامات تفرقه انگیزانه و جامعه شکنانه برانگیخته را فاش کرده است. وی می‌گوید: "مولوی عبدالحمید (امام جمعه سنی مذهب زاهدان) نشست سران عشایر با فرماندهان سپاه را تحریم کرده بود."

خطر بی واسطه ای که اکنون مردم سیستان و بلوچستان را تهدید می‌کند، انتقام گیری بی هدف و وحشیانه حکومت از شهروندان عادی است. مستقل از آنکه سخنان و اشارات تهدیدآمیز پایوران رژیم در روز گذشته (یکشنبه) بیانگر حرکت به این سمت است اما روشن ترین جهت نگار را تاخت و تاز تبهکارانه اوباش آیت الله خامنه ای در شهر زاهدان در خرداد ماه همین سال به بهانه انفجار در یک مسجد شیعیان به زمین کاشته است.

فراسوی خبر ۲۷ مهر

## جابجایی فرماندهان تبهکار با سرکردگان بدنام در بسیج و سپاه

جعفر پویه

یک روز پس از اعتراف عبدالله عراقی، فرمانده سپاه پاسداران تهران بزرگ به نقش سرکوبگرانه بسیج در حوادث پس از انتخابات و بی شرمیهای بی حد و اندازه آن، حسین طائب، فرمانده بسیج بر کنار شد. آیت الله خامنه ای به عنوان فرمانده کل قوای مسلح که همه بی شرمیهای انجام گرفته به دستور مستقیم اوست، طی حکمی حسین طائب را از فرماندهی نیروی شبیح نظامی و مسلح بسیج بر کنار و محمد رضا نقدی را به جای او به این سمت برگماشت.

محمد رضا نقدی که از فرماندهان بدنام و تبهکار سپاه است، دستی دراز در شکنجه و ضرب و شتم و سرکوب دارد. او یکی از متهمان مستقیم پرونده خونین کوی دانشگاه تهران در سال ۷۶ است. همچنین نقدی فرمانده سپاه قدس، فرمانده آماد و پشتیبانی ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در دهه ۷۰ بوده که در همه مناصب مربوطه به بدنامی اشتها دارد.

نقدی مستقیم حسین طائب در قتل و کشتار و رذالتیهای انجام گرفته توسط زیر مجموعه او، در افشاگریها آنقدر پر رنگ است که خامنه ای چاره ای به جز تغییر او نیافت. اما برگماری پاسدار نقدی که خود گوی سبقت از هر بی چشم و رویی را ربوده است بجای طائب نشانگر اعتماد رهبر و ولی فقیه رژیم به تبهکاران و ناکسانی همچون طائب و نقدی است.

جابجاییهای انجام گرفته در ارگانهای همچون سپاه و بسیج که بنا به اعتراف پاسدار عراقی مسوولیت کامل سرکوب و وحشی گریهای انجام گرفته شده را داشت، نمی تواند دردی از ولی فقیه درمانده رژیم دوا نماید. نقش مستقیم او در اعمال انجام گرفته آنقدر عیان است که برکناری چند عنصر بدنام و برگماری تبهکارانی دیگر نمی تواند روزنه فراری برایش باز نماید.

بسیج و سپاه از نگاه مردم ایران آنقدر منفور هستند که حتی اگر خونریزیهای اخیر، سهم بردن در تقسیم غنائم و چنگ انداختن آنها بر مخابرات و صنایع کشور هم نبود، باز هم مردم برایشان هیچ اعتباری قابل نبودند. پر بعید نیست با ادامه فشار جنبش مردم بر ولی فقیه، وی مجبور شود بار دیگر کاسه واجبی را به عنوان دوی درد خود به کار گیرد و عده ای را وادار به سر کشیدن آن نماید.

فراسوی خبر: ۱۴ مهر

## سمیه جعفر قلی دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک به ضرب گلوله ماموران انتظامی جان باخت

مدیریت دانشگاه امیرکبیر به درخواست نیروهای امنیتی از برگزاری مراسم یادبود برای یکی از دانشجویان و نیز کارمند این دانشگاه که چند روز قبل به ضرب گلوله ماموران نیروی انتظامی کشته شد، ممانعت به عمل آوردند.

به گزارش روز چهارشنبه، ۱۵ مهر ۱۳۸۸ خبرنگار امیرکبیر، سمیه جعفر قلی، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر و یکی از کارکنان مرکز تحصیلات تکمیلی آموزشهای مجازی در هفته نخست مهرماه، در حالی که به همراه حمیدرضا و سارا؛ همسر و دختر ۸ ماهه اش در حال بازگشت از قم به تهران بودند، بر اثر اشتباه فاحش یکی از ماموران نیروی انتظامی، که در حال تعقیب خودروی دیگری در اتوبان تهران-قم بوده و شلیک گلوله به سر زخمی شده و جان سپرد.

به دنبال مرگ دلخراش این دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک، جمعی از دانشجویان دانشکده کامپیوتر و اعضای شورای صنفی این دانشکده برای برگزاری یک مراسم یادبود برای این دانشجوی بیگناه، با ممانعتها و سنگ اندازیهای عجیب مدیریت انتصابی دانشگاه پلی تکنیک شده اند.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر، روز ۱۴ مهر علیرضا رهائی طی تماسی با رئیس دانشکده کامپیوتر این دانشگاه شخصا به وی دستور ممانعت از هرگونه برنامه یادبود برای این دانشجوی کشته شده را داد. هم چنین واعظ از مسئولان حراست پلی تکنیک نیز به دستور نهادهای امنیتی تلاش زیادی برای ممانعت از این مراسم به عمل آورد.

این واقعه دلخراش در حالی رخ داد که پس از گذشت ۱۰ روز از این فاجعه طی تماسهای مکرر از سوی ارگانهای مختلف لغو فوری مراسم یادبود درخواست شد. اما با پیگیری و اصرار مسئولان دانشکده کامپیوتر و نیز مسئولان مرکز تحصیلات تکمیلی آموزشهای مجازی این مراسم روز گذشته در سکوت و بی خبری کامل و نیز بی اطلاعی دانشجویان در این دانشگاه برگزار شد.

ممانعت از برگزاری مراسم یادبود برای این دانشجوی در حالی است که جمع گسترده ای از دانشجویان این دانشگاه از آغاز سال تحصیلی، از حضور بر سر کلاسهای درس منع شده و از ثبت نام آنها نیز جلوگیری به عمل آمده است.

گفتنی است مدیریت دانشگاه و نهادهای امنیتی از بیم اعتراضات گسترده دانشجویی به مرگ دلخراش این دانشجو، تاکنون برای عدم اطلاع رسانی خبری پیرامون این حادثه هولناک تلاش های زیادی نموده اند.

## حرکت های اعتراضی

### دانشجویان، درگیری

### با بسیج سرکوبگر و

### پیشرفت امید به تغییر

زینت میرهاشمی

دیروز سه شنبه ۲۱ مهر تجمع اعتراضی بیش از ۲۰۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه آزاد مورد یورش نیروی بسیج قرار گرفت. نیروی سرکوبگر بسیج با گاز فلفل و اشک آور به دانشجویان یورش بردند و آنها را زخمی نمودند. با بازگشایی دانشگاهها، دانشجویان در شرایطی متحول تر از قبل وارد دور جدیدی از رویارویی با نیروهای بسیجی در دانشگاهها شده اند. نیروهای بسیج به عنوان اهرم سرکوب نظامی رژیم در دانشگاهها، با توجه به رویدادهای چند ماهه اخیر نقش آشکارتری در سرکوب دانشجویان به عهده گرفته اند.

دستگیری، کشتار و تجاوز نتوانست دانشجویان را از حرکت باز دارد. تداوم و تعداد حرکت های اعتراضی دانشجویان از زمان شروع سال تحصیلی جدید، نشان از تداوم جنبشی است که اگر هر روز قدرت خود را در خیابانها زیر سرنیزه دیکتاتوری نمی تواند نشان دهد اما در هر مکان و هر زمان با کوچکترین فرصت، نابودی نظام جمهوری اسلامی را با شعارها فریاد می زند.

مبارزه با پادگانی کردن دانشگاه و برجیدن بساط نیروی سرکوبگر بسیج از دانشگاهها، با تکیه بر شرایط متحول کنونی و قیامهای خیابانی، دانشگاهها را به صحنه رویارویی عظیم تری وارد می کند. در این رویارویی پیوند جنبش جوانان، معلمان، زنان و کارگران با جنبش دانشجویی نقش مهمی در پیشرفت امید به تغییر و بی اثر کردن اهرمهای سرکوب بازی خواهد کرد. پیوند جنبش دانشجویی با جنبش مردمی هنگامی که شعار آن در خیزشهای خیابانی فریاد زده می شود، بیش از هر زمانی این تغییر را عینی تر خواهد کرد.

فراسوی خبر ۲۲ مهر ۸۸

## پاکشویی پرونده

### جنایات با سرکوب

### و ارتکاب تبهکاری

### بیشتر

بقیه از صفحه ۲۰  
خونین گماشتگان تحت امر آقای خامنه ای را به نمایش گذاشته است. آقای مقیسه پس از دستگیری آقای علیرضا بهشتی، مسوولیت "کمیته پیگیری امور زندانیان و آسیب دیدگان حوادث بعد از انتخابات" را به عهده گرفته بود و اکنون به آقای مرتضی الوبری، عضو همچنان زندانی این مجموعه پیوسته است.

ماه گذشته گماشتگان آیت الله خامنه ای در اقدامی رسوا، برای دزدیدن اسناد و مدارک این کمیته که تاکنون اسامی، مشخصات و جزئیات قتل بیش از هفتاد تن از معترضان را فاش ساخته است، به دفتر آن حمله برده بودند. پاکشویی پرونده جنایات ماه های گذشته با سرکوب و ارتکاب تبهکاری بیشتر، ماهیت مافیایی وعده های دروغین و تردستیهای امنیتی پیرامون رسیدگی به اعتراضات و شکایات را توضیح می دهد. آدمکشان و متجاوزان جنسی لانه گرفته در بارگاه ولایت فقط زمان می خردند و کمین می گذراندند.

این اقدامات یک بار دیگر و به زبان گویا ضرورت و اهمیت تلاشهایی که از سوی نهادها و تشکلهای مستقل و اجتماعی برای افشا و روشنگری پیرامون جنایتهای صورت گرفته توسط باند نظامی - امنیتی ولی فقیه و گرفتن تیغ خونریزی از دست آنها انجام می شود را مورد تاکید قرار داده است.

فراسوی خبر: ۲۶ مهر

## نبرد خلق

### ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

## برای اشتراک نبرد خلق با

### آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

امریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

## آدرس سازمان

### در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

# NABARD - E - KHALGH

No : 292 30 octobre. 2009 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## ۱۳ آبان روز تجدید پیمان جنبش بیشماران با شهدای قیام مردم ایران



فاطمه رجب پور و سرور برومند بهمن جنابی حسین طوفان پور گیانوش آسا ناصر امیرنژاد اشکان سهرابی



مصطفی غانیان محمد حسین فیضی علیرضا افتخاری سجاد قائد رحمتی داوود صدری احمد نعیم آبادی بهزاد مهاجر



یعقوب براویه حسین غلام گیری میثم عبادی مسعود هاشم زاده سهراب اعرابی رامین رضانی ندا آقاسلطان

آقای جنتی با به پا کردن گرد و خاک لفظی پیرامون وظیفه قوه قضاییه در قلع و قمع "دشمنان و براندازان" و توبه گرفتن از چهره های شناخته شده و نیز "خیانت" خواندن هر اقدامی جز این، پوش لازم را برای یورش گسترده تر "آیت الله لاریجانی عزیز" به اهداف نشان شده ی باند ولی فقیه فراهم آورد. دستگیری آقای محمدرضا مقیسه به گونه آشکار کوشش همه جانبه دستگاه های امنیتی و قضایی برای جلوگیری از هر گونه تحقیق مستقل پیرامون جنایات صورت گرفته و پاک کردن رد پای. بقیه در صفحه ۱۹

### پاکشویی پرونده جنایات با سرکوب و ارتکاب تبهکاری بیشتر

منصور امان پاس آیت الله جنتی به آیت الله لاریجانی در نماز جمعه، روز گذشته (شنبه) به مقصد رسید و یک عضو دیگر کمیته پیگیری امور زندانیان و آسیب دیدگان در جریان سرکوب معترضان و مخالفان دستگیر و به تیمهای اعتراف گیری سپرده شد.

علی بهروزی-محمد قادری- حسین رکنی-احمد پیل افکن- احمد گراوند-علی اصغر ذاکری- سلیمان سلیمانی-فرج الله نیک نژاد-مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

### شهدای فدایی آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی(اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مهین جهانگیری-محمد قلی جهانگیری- عزیز پور احمدی-علی رضا شفیعی-

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم